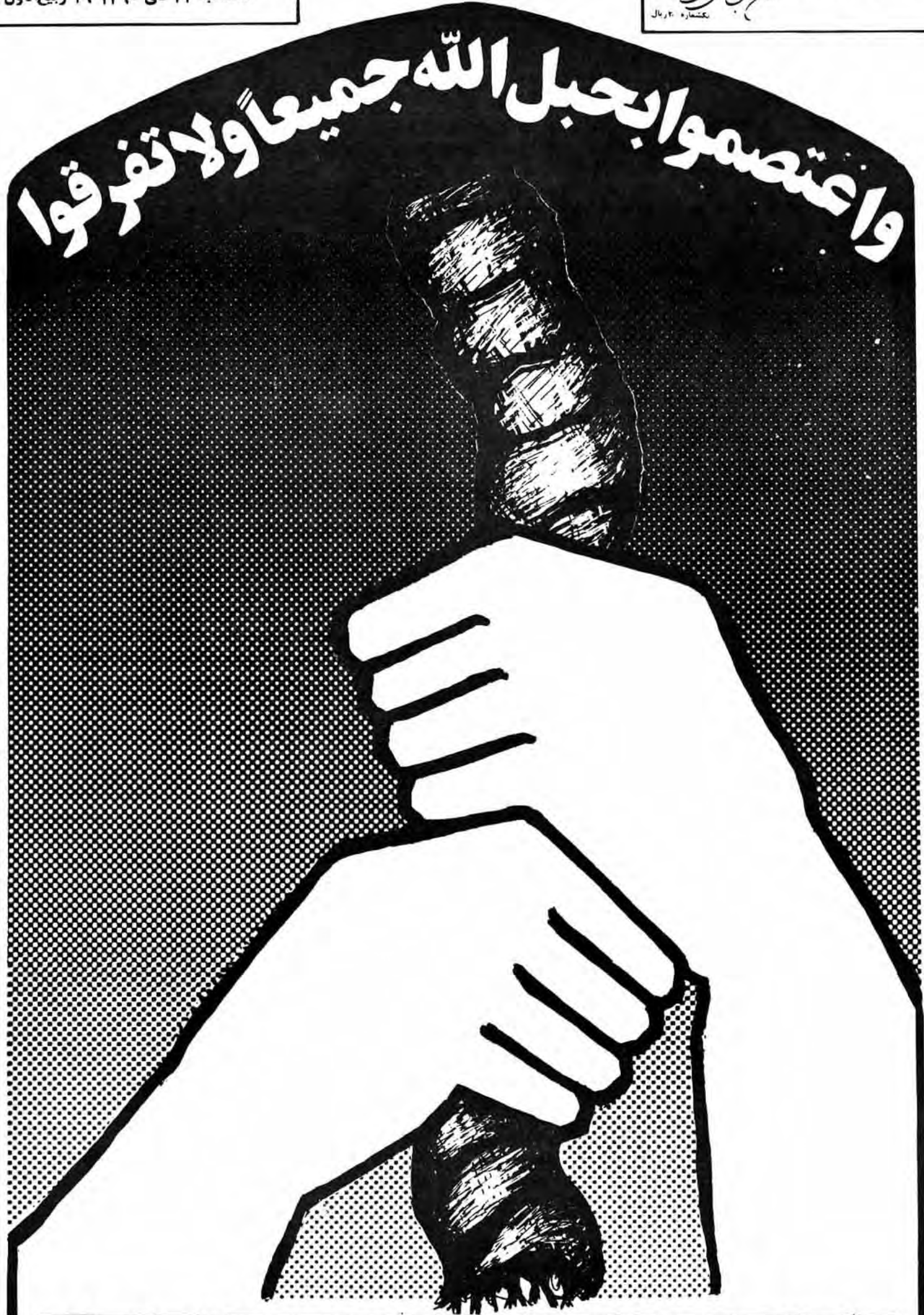


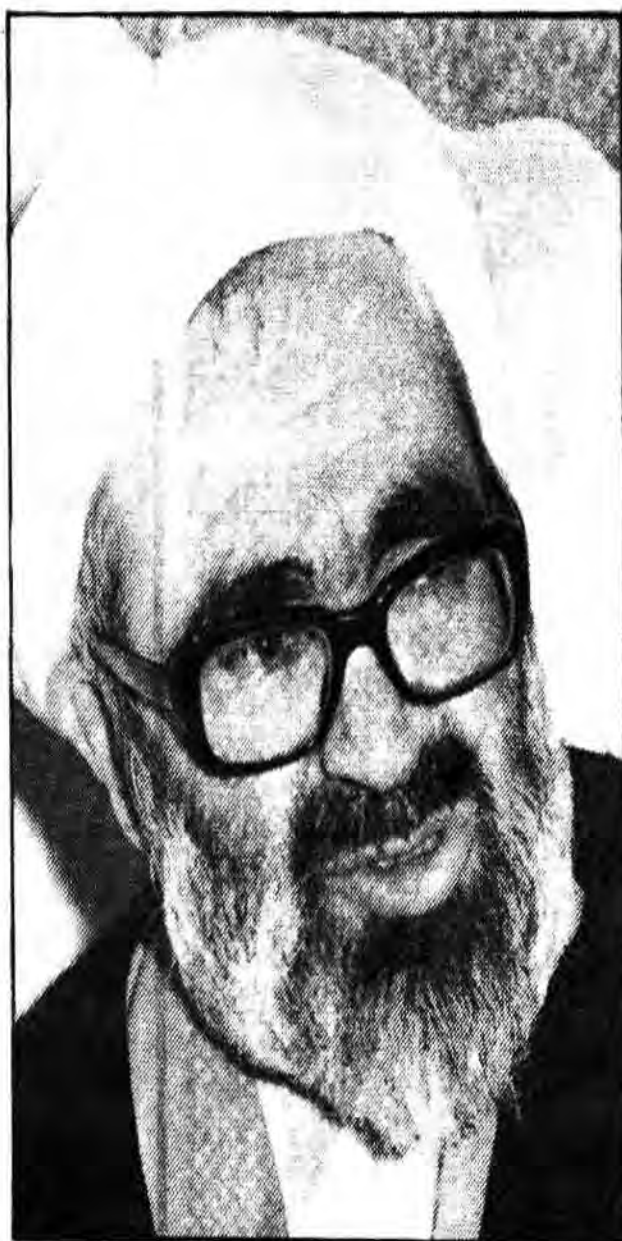
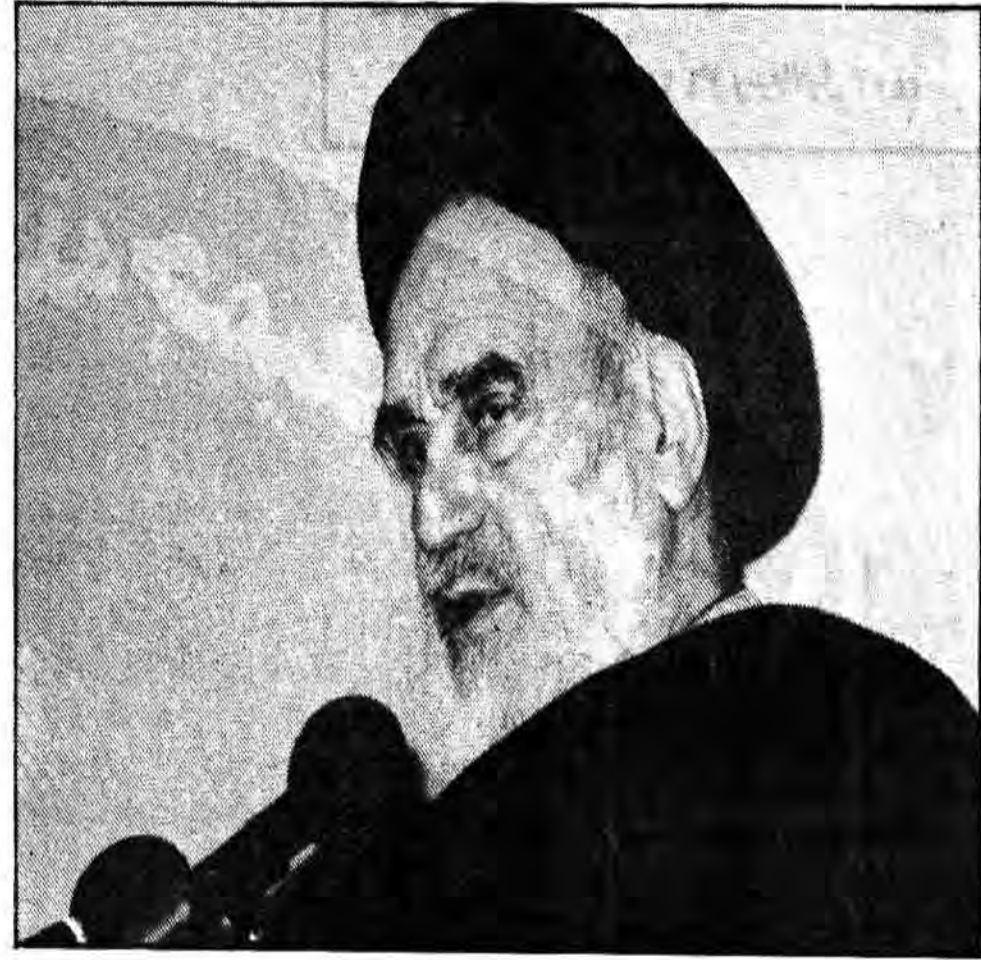
واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا



میلاد با سعادت دو انسان کامل و نمونه انسانیت رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) که نوید بخش وحدت مسلمین می باشد بر عموم مسلمانان مبارک باد.

من تاکید می‌کنم که اسلام تنها پناهگاه همه ما است و در زیر پرچم پرافتخار آن همه گروهها به حقوق خود می‌رسند، عوامل اجانب که منافع خود را در خطر می‌بینند برای تحریک برادران اهل سنت قضیه شیعه و سنی را طرح کرده و می‌خواهند با شیطنت اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، شیعه و سنی در کنار هم و باهم برادرند و در حقوق مساوی هستند، و هر کس خلاف آنرا تبلیغ کند، دشمن ایران و اسلام است و برادران اهل سنت باید این تبلیغات ضداسلامی را در نطفه خفه کنند.

امام خمینی



اگر قدرت‌ها و بخصوص آمریکا نتوانستند وحشتشان را از گسترش این حرکت الهی که از سرزمین مقدس ایران برهبری یکی از بندگان صالح و خالص خدا حضرت امام خمینی مدظله شروع شد مخفی کنند و با تمام قدرت و توان می‌کوشند بدست عمال و مزدوران خود مسلمانان را در محرومیت، اسارت، تفرقه و خصومت نگاهدارند و در حالی که اسرائیل این مولود نامشروع آمریکا هر روز به فکر توسعه طلبی و اشغال سرزمینهای بیشتری از مسلمانان میباشد، رژیم‌های وابسته در کشورهای اسلامی به فکر شناسائی آن و تقویت جبهه امپریالیستی و سرکوبی نهضت‌های اسلامی و مردمی خود میباشند. اگر کمکهای نظامی و اقتصادی که تاکنون از طرف این رژیمها به حکومت متجاوز و رو به زوال صدام شده است صرف کشورهای مترقی در حال جنگ با اسرائیل میشد بطور قطع تاکنون اثری از فتنه جهانی اسرائیل برجای نمانده بود و ملت آواره فلسطین به خانه و کاشانه خود بازگشته بودند.

اختلاف نظربین فرق اسلامی و اهل تشیع و تسنن یکی از مهمترین عامل سوءاستفاده دشمنان هر دو فرقه و خصماء اسلام و ضدتوحید و ضد مذهبها و درازای تاریخ از قدیم الایام بوده و هست و بسی مایه تاسف است که مسلمین جهان چه تشیع و چه تسنن از تجربه‌های تلخ تاریخ تاحال عبرت نگیرند و متوجه نباشند که این اختلاف نه نفعی بحال تشیع داشته و نه اصلاحی در وضع تسنن و بلکه پیوسته سبب ضعف و ناتوانی هر دو طائفه بوده و وسیله شکست اسلام در مقابل دشمنان بوده است.



## در هفته وحدت میتوان نقشه‌های تفرقه انداز آمریکار اختی کرد

ملاقادر قادری امام جمعه پاوه

# امت واحده از دیدگاه قرآن

«ان هذمتکم فاعبدون» و تقطعوا امرهم» بینهم کل الیناراجعون»

و اینست: امت واحده شما، و منم افریدگارتان، پس مرا پرستش کنید، و آنها را در کار خویش دستخوش تفرقه ندهید، در حالیکه بازگشت همگان بسوی ما است. (قرآن کریم- سوره انبیاء- آیات ۹۳-۹۲) سخن عشق یکی بود ولی آوردند این سخنها سخیان زمره نادانی چند و عشق صلح کل و باقی همه حگ است و جدال و عاشقان جمع و فرقی جمع بریشانی چند (حاج ملا هادی سبزواری)

عنوان «امت واحده» عنوانی است متخذ از قرآن، کتابی که مورد اعتقاد و اتفاق جمیع امت اسلامی بوده و در اصلت و سندی و ابدیت آن هیچ فردی از افراد مسلمان در سراسر جهان تردید ندارد. این کتاب مبارک آسمانی، به تکرار از امت واحده سخن میزند، و آنرا تبلوری از توحید، و اراده خداوندی دانسته، همانطور که تفرقه و نشتت را بر خلاف فطرت انسانی و سنت خداوندی می‌شمارد.

• اکنون که در «هفته وحدت» همزمان با میلاد پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله، صلی الله علیه و اله- سخن از وحدت امت اسلامی می‌رود برای تبیین و توضیح بیشتر نظر گاه اسلام و قرآن در این ساره و شعار آسمانی و انقلابی، که از سرزمین پاک ما و ندای امت مسلمان ما به جهان اسلام صادر میشود، قدری عمیق تر به سراع قرآن می‌رویم و باستناد آیات کریمه قرآنی که مورد قبول عموم مسلمین جهان است، مسئله وحدت امت، و آثار زیانبار تفرق و اختلاف را بررسی مینماییم.

## توحید خالق و وحدت جهان

مسئله را بصورت بنیادی مطرح کرده و برمیگردیم به آفرینش جهان و انسان که جزئی از این نظام میباشد، و رابطه‌ای که قیما بین اجزاء و ذرات عالم هستی حاکم است.

با تعمق و نظر دقیق به عالم هستی باین نتیجه میرسیم که بر سراسر گیتی یک «وجود مطلق و بسیط، محیط و مسیطرونی آنها و نامحدود من جمیع الجهات» فرمانروائی دارد و آن وجود «الله» است و جهان که تحلی اراده و پرتوی از صفات اوست، در حقیقت یک واحد است که از اصناف و انواع مختلف موجودات ترکیب یافته که آنها نیز مظاهر و اسماء الله و تسلوی از مراتب وجود و شدت و ضعف ایسن مراتباند.

در ایس نظام وحدتانی، کوچکترین ذرات انمی تا عظیمترین کرات و کیهانها و سماویها مشمول یک قانون بوده که هر یک مکمل دیگری هستند. میرسیم به انسان، سلولهای زنده بدن آدمی یک پیکر را تشکیل میدهند، که آن نیز با هماهنگی روح و روان یک شخصیت انسانی را، و افراد گوناگون و پارسارگ

انسانها یک جامعه را، و سایر این جامعه بشری از یک مندا، و یک عنصر پدید آمده و همگی شاحه‌های یک شجره‌اند و یا آنها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده ای توده‌های انسانی! پروا کنید از خداوندی که شما را از

«حسوا ان حانتم منذر منهن و قال اکافرون هذاساخر کتاب» اجعل الالهة» واحدا ان هذالشئی عجاب. وانطلق الملا منهن ان امشوا واصبروا علی الهتکم ان هذالشئی براد.» و آنان در شگفت شدند که از

یکدیگر نداشته باشد. و آنگاه که برای وحدت امت اسلامی «هغه وحدت» معنی «خلیق» معناه از محمد رسالت، سوی مقامات روحانی و عموم مردم با اعلام میشود، از گوشه حصار کسانی سر بلند کند که اجزای خاطره میلاد پیامبر چون «ناحیه ایران

آمریکا و کارگران او فردا حوالگوی اس نهمت و سذعت خواهد بود؟ اسخاست که این بیست حافظ نداعی میشود گوشیا ناوریمی دارند رورداوری کسانهمه منکرو دغسل در کنار داور میکند

## حکام جابر و تفرقه امم

نای، بر اساس جهان سنی شرک و مانع پیامبر آن که می‌سیم قطاب قدرت و استعمار میگویندند منادین توحید و وحدت را نکوند، و مظاهر تفرقه وفاق زارنده نگهدارند تا نتوانند نوده‌های درسند کشیده و مستضعف روی زمین زار ریز بوع بردگی نگهدارند

مردودیان را می‌نگریم که برای سرکونی ابراهیم مادی توحید، به دفاع از حدایان و تنها سرخاسته و جین فرمان میدهد «حرقوه والنصر والتهکم» ابراهیم را سوزانید و حدایان را باری دهید

و فرعون را که برای ادامه سلطه خائزانه خود با سایر همگان بدختر از آنان گروهها و دسته‌ها ساخته تا از این راه خود کامگی و بهره کشی کند، و سدا گویه که قرآن ساکید می‌نماید «فرعون در زمین سرطیان بر آورد و مردم را گروه گروه نمود تا نتواند استعاضاش کند، کبود گاشان کشند، و راناش را نه سردگی کشوده فساد و فساد ادامه دهد»

«ان فرعون علانی الارض وجعل اهلها شعبا یستضعف طائفه منهم»

«سذخ اسانهم ویسنجی سانسهم انه کان من المفسدین» قصص آیه ۴ آری نتیجه تفرقه و اختلاف سلطه دشمنان شریعت است و استضعاف و کشتار فساد و تهاوی را بر سر و ستند و مستکبران جهانی، سلطه خائزانه خویش را در تفرقه ملل محروم دیده و سهمین دلیل و سایر ازان افسون و جیله نروریز کوشده‌اند که امت اسلامی را که یک آرمان واحد باید داشته باشد و نه امم و شعوب تبدیل ساخته که هر گروه به راهی برود و برای نفی دیگری گام سردارد در نتیجه بیروی توده‌ها صرف نابودی خود آن شود و وسیل اسلحه از غرب و شرق بسوی این ملل محروم سرازیر شود و به نهی آن حقوق مستضعفان بصورت معادن طلا و نفت و غیره، به کام زنده‌های جهانجوار ریخته شود، ایست حساسی که تفرقه‌ها بر ملل ستم دیده تحمیل نموده، و مردوران سی هوشنشان در داخل کشورها در این حیانت سررگ آنان را یازی می‌رساند

## وحدت بر اساس مکتب و تسلیم

پیامبران خدا که رسالتم دار رهائی و حجات اسانها در سراسر تاریخ سوده‌اند همواره بر اصل وحدت معبود، و اتحاد امم تکیه کرده و امتها و ملتها را به پرستش خدای یگانه فراخوانده و مبرودت آنان را در وحدت

## انما المسلمون اخوة فتکافئو دمائهم، یسعی بذمتهم ادناهم وهم یدعلی من سواهم.

مسلمین همه باهم برادرند، خونهای آنها با یکدیگر برابری می‌کند، کوچکترین فرد در انجام تعهدات اسلامی کوشاست و در مقابل دشمن دست واحده‌اند.



عنوان مشهوره «کافئو دمائهم» در آن حدیث کبری سی همان گونه که آمده بود.

## بتهای قرن و شرک نهانی

ایا ایسان معنی شرک را می‌داند، که باور کردنی است، زیرا محال است بیک روحانی مذهبی داند که سرگرداشت پیامبر را عنوان شرک دادن نامعقول است و یا ایسا همچنان عندها و شیعه‌ها اسیر تنهایی شده‌اند که در قالبی دیگر چشم و دل آنان را کور کرده و راهی به درک حقیقت ندارند؟

اگر چه امروز «هتل» و «لات و عری» مطرح هستند ولی تهای قدرت و استکبار جهانی و سردمداران آن چون آمریکا هستند که هر ازان ت هیل را در آستین دارند، و صدها لات و عری را در لباس حکم و امیر و شاه و شاهزاده بدلان میکشد و آیا این روحانی‌های معنی که به یادواره پیامبر عموال شرک میدهد، میداند چه صف خود را به شیطان برگ آمریکا و شیطان چه‌ها و ادیانشان فروخته است؟ آیا میداند ما دعوی توحید در دام چه شرکی گرفتار آمده؟ آیا ایسا برای سار بسین روز حساب و کتاب پاسخی فکر کرده‌اند؟ و آیا جس پیش‌سی می‌کند که

انان سیم دهنده‌ای برای شان آمده و کافران گفتند این است ساحر دروغگو ایسا نحای حدایان، خدای واحد را عنوان میکند؟! به راستی که مایه شگفتی است! و اشرف از سرخسوت روی برگردانید که سر وید و حدایان را نگهدارید که آهنگ این پیامبر ثمرهای حیر فساد ندارد!! (سوره ص آیات ۱۷/۱۶) راستی که خای شگفتی است، پیامبری را که منادی توحید و خسواهان صلح عمومی در صل وحدت امت اسلامی است «ساحر» «کذاب» و فتنه‌گر میخواند، و خویشتر را که در دام سیصد و شصت بستهای حور و حور، از سوسمار گرفته تا «هتل» و «لات و عری» و هزاران ست درونی از شهوت و شیطان و ببول زور و وقبیله و قومیت غرور و خودخواهی... گرفتار می‌سیند، آدمهای مستطقی، صلح طلب حساب می‌آورند و شاید انقدر شگفت نباشد! آنها مردمی بودند که سالها با این تنها و معمودها جو کرده و برای آنان مشکل بود که به بیکاره ایس رجیهای اسارت و ذلت را بگسلند و چیزی که از ایس عجیب‌تر است آنکه مردمی هزار و چهارصد سال یک خدا را بپرستند، و به یک کتاب و دین گردن نهد و رو به سوی یک قبله نماز گزارند و در منادی عقیدتی اختلافی اصولی با

## شرک و اختلاف

از اینرو قرآن کریم از قول «کفار مکه» که حاضر نبودند زنجیرهای اسارت تقلید پدران مشرک خود را پاره کنند و با تمسک باین تقلید کوراز عنوان ساختن خدای واحد و معنی حدایان، از سوی پیامبر اسلام سخت روگردان بودند چنین می‌آورد:

آرمان و مکتب داستاند پیامبران خدا بر آن بودند تا با حکمت الهی و آسمانی از سرور شفاق و عناق در میان امت پیشگیری کند «کان الناس امه واحده فیبعث الله النبیین مبشیرین و منذرین» و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیبه و ما اختلف فیبه الا الذین اتوه من بعدها جانهم البینات سفیا بنیهم، فهدی الله الذین امنوا لله اختلافوا فی من الحق باذنه والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم (سفره ۱۱۳) مردم «یک امت» بودند، خداوند پیامبران را با تشبیر و انذار برانگیخت تا با رهمود کتاب و میزان حق و عدل در آنچه اختلاف دارند، داوری کنند، و پس در اینکه دلایل روش الهی آمد حر آنانکه کتاب سرایشان فرود آمده از روی «سعی» و سرکشی اختلاف بگردند، پس خداوند آنان را که ایمان راستین دارند و نا اراده خود، سداچه حق است در مورد اختلاف رهمون داده است و خداوند هر کس را خواهد به راه راست هدایت می‌فرماید

## امت در اصطلاح قرآن

اصولاً «امت» به گروه و جماعتی گویند که مقصد و آرمان واحدی را تعقیب کنند قرآن در این ساره چنین می‌فرماید «وان هذمتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون» اساء، ۹۲

والهنا والهکم واحده و نحن له مسلمون» عنکوت آیه ۹ وحدت سراسر مکتب و عقیده به خدای یگانه و پرستش آن مندا واحد و تسلیم مطلق در برابر الوهیت و رسوبیت او هر گاه ملتی دارای چنین حاصلت‌ها شد بد میتواند مصداق واقعی «امت» باشد

و اگر مکتب و آرمان واحد بود، و عودیت و تسلیم وجود داشت یک جامعه هر چند اهداف مشترک را تعقیب نماید عنوان «امت» را خواهند یافت. ایست منطق قرآن، و راهی که پیامبران خدا برای تشکیل امت واحده بیمودند، آنان در هر ماستی مردم را هشدار داده که چرا از خدای واحد سر برده و به حدایان هراز چهره روی آوردند؟ یوسف صدیق را در زندان مصر می‌بینیم که با بازان هم رندانش جین می‌گفت: یا صاحبی السجین» از سباب متفرقون خیر الله الواحد القهار؟ ما تعبدون من دونه الاسماء سمجتوها انتم و اباوکم ما انزل الله بها من سلطان، ان الحکم الا لله، امر الا تعبدوا الا الیه، ذلک الدین القیم ولیکن اکثر الناس لا یعلمون»

یوسف (۲۹-۴۰) ای دو سر رندان من! ایسا حدایان گوناگون و پارسارگه شایسته نرند با خدای واحد قاهر؟ آنها را شما و پدران حدایان مامیده‌اید در حالیکه خداوند دلیلی بر آن عرستاده، حکم فقط برای «است و فرمان میدهد حرووی در سراسر کسی سره سذگی فرود جاورد ایست ائسین راستین و استوار ولی سبجاری از مردم می‌داند. بقیصر صفحه ۱۰

مطلب ذیل چندی پیش بصورت سرمقاله درج گردیده که بعلمت مناسبت و اهمیت آن مجدداً اقدام به درج آن می‌گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم  
یکسال و یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک خبرنگار زاپسی از روزنامه معروف «اساهی» که در توکیو منتشر می‌شود از من تقاضای مصاحبه‌ای در مورد روحانیت کرد. وقتی مصاحبه شروع شد او ابتدا سئوال‌هایی در مورد روحانیت و انقلاب اسلامی ایران مطرح کرد و ناگهان بدون هیچ مناسبتی پرسید تفاوت میان شیعه و سنی چیست؟ شما شیعه‌ها با سنی‌ها چه فرقی دارید؟ وقتی او این سئوال را مطرح میکرد من پیش خودم فکر میکردم چه مناسبتی میان این مطلب و موضوع اصلی مصاحبه وجود دارد. در همین حال دهم رفتم سراغ این نکته که شاید قلم این آقای خبرنگار از جوهر سارمان «سیا» پر شده باشد و کاغذش را «موساد» به او داده باشد و می‌خواهد یک حمله از یک طلبه شیعه در مورد فرق بین تشیع و سنن بگیرد و امر بعنوان اختلاف میان شیعه و سنی سرگ کند و از طریق روزنامه «اساهی» که هفت میلیون سخماش را حداقل ۱۵ میلیون نفر در هر روز می‌خواند به مغز ملت فرو کند و در یک گوشه دنیا ذهن‌ها را به مسأله‌ای مشغول نماید و چه بسا که از همین کسانال هدفی را دنبال کند و به مقصود هم برسد. در عین حال هنوز خیلی به این سوهظ خودم اعتقاد نداشتم چون هر چند تکلیف قلم و کاغذ آقای خبرنگار روشن شده بود ولی برای صیقل صوت کوچک اوفکری بکرده بودم. هرمان با پایانی سئوال او منم به این نتیجه رسیدم که باید به سوء ظن خودم ترتیب اثر بدهم چون ضبط صوت را هم دیدم همان کمیابانهایی بیرون دادند که صوت کارخانه‌هایشان با صوت کارخانه‌های آمریکا و اسرائیل و یگه دنیا یک وقت صدا در می‌آید و یک وقت خاموش میشود. ناچار به او گفتم این سئوال شمار از قماش سئوال‌هایی است که استعمارگرها در سال آن هستند تا به حکم «تفرقه بینداز و حکومت کن» نامطرح کردن آن آتش افروزی کنند. برادر زاپسی خدازوریت را حای دیگر حواله کند سین ما برادران سنی‌مان هیچ فرقی که شما نتوانید ابراعلم کنید و تفرقه‌های راه بیندازید وجود ندارد.

آقای خبرنگار حسده معنی داری کرد و چند ناسئوال دیگر مطرح کرد و در آخر باز دیگر بارندی حاضی که فقط از خبرنگارها، های کارکنه دوره دیده آن سر جور داره‌ستد به سراغ همان مسأله رفت ولی این بار به شکلی دیگر. این بار پرسید: چرا سنی‌ها مثل شما شیعه‌ها اهل مبارزه و مردم جهاد نیستند؟ لاند این از خصوصیات مکتبی سنن است که برای جهاد و شهادت آن چنان ارزشی قائل نیست که تشیع قائل است.

در حوات گفتم دیگر هیچ تردیدی ندارم که این سئوال

## «شیعه، سنی، استعمار»

راسارمان «سیا» مطرح کرده است. تو که خبرنگار هستی و همیشه در جریان اخبار و رویدادهای جطور می‌شود از مبارزات مردم فلسطین اطلاع نداشته باشی جطور است که تو مردم ایران را که چند سالی است مبارزه می‌کنند مردان مبارزه و جهاد میدانی ولی مردم فلسطین و ایرتره و افغانستان و اندونزی و فیلیپین و بسیاری از برادران اهل سنن را که دهها سال است در حال مبارزه هستند بحساب نمی‌آوری و نتیجه میگیری که شیعه متحرک است و برآند تا بکم یکدیگر پایهای حکومت عدل جهانی را بر شالوده محکم اتحادشان بالا ببرند.

در روزهایی که انقلاب اسلامی ایران به اوج خود میرسد برادران عزیز سنی مادر کردستان این شعار را تکرار میکردند که «شیعه و سنی فرقی نیه رهبر همه خمینه». این شعار را آنروزها مرد و زن کرد فریادمی کردند، همان توده مردم، همان خلق کرد، همانها که در کردستان زندگی می‌کنند. در مقابل شیعه‌ها و



سنی است. از اینها گذشته مگر در ایران فقط شیعه‌ها انقلاب کردند؟ مگر برادران سنی ما در بلوچستان و ترکمن صحرا و کردستان و قسمتهای دیگر ایران در این مبارزه شرکت نداشتند؟ تو خبرنگار مامور، هر جا که بروی همین سئوالها را مطرح می‌کنی تا بالاخره یک حای موفق نشوی حرفی از دهان یک کسی بگیری حالا یا شیعه یا سنی و سعد آنرا بزرگ کسی و نعره‌های راه بیاندازی که نعره به گردنش آمریکاست و هدفش ایجاد آشفته بازار برای چپاول ثروت‌های مسلمانان چه شیعه و چه سنی و چه خوب بود که با تو اسم ندرنگار را از روی حسودت برمی‌داشتی و با آن حسرتگری که نه اب و آتش میرد تا محرومین و بیچاره‌های مردم مستضعف را در صفحات روزنامه‌ها به رح عولهای حایت تاریخ بکشاند و آنها را در پیشگاه تاریخی مضمضع کند و با آن حسرتگری که از آنطرف دنیا با هدف تحقیر می‌آید و حای وجه افتراق شیعه و سنی از وجود اتحاد آنها بر سر وجود میکند و بالاخره گزارشی از دارالتقریب تهیه میکند و به مردم بویسد میدهد که شیعه و سنی باهم اختلافی ندارند و هربران آنها

دقیقاً یادم هست که ما طلبهای قم در پاسخ این شعار دشمن کش امیدبخش، شعار دیگری را تکرار میکردیم «تشیع سنن، پیوندتان مبارک» یعنی که ای برادر سنی که میگوئی «شیعه و سنی فرقی نیه رهبر همه خمینه» این شعار تو نتیجه این است که بین مکتب تو و مکتب ما فرقی وجود ندارد. این هر دو به یک خدا و یک قرآن و یک پیامبر معتقدند و هر دو در اندیشه پیکار با کفرند و هر دو در سنیز با ظلم و تجاوزند و هر دو بارگشت انسان به فطرت الهی خویش را می‌خواهند. این بیگانگی را دشمن مشترک قربها بود که از بین برده بود و این پیوند را دشمنان اسلام و اسان قربها بود که بریده بودند و امروز تو برادر سنی چه خوب در بیافتی که با من شیعه یکی هستی چون مکتب تو مکتب من است، جهاد تو جهاد من است، شهادت تو شهادت من است، اسارت تو اسارت من است و آزادی تو آزادی من است. حالا که من و تو این را دریافته‌ایم با هم یکی سودمان را حش میگیریم. این پیوند تشیع و سنن است، پیوندی که باید سرایش حش گرفت چون برای استعمار راهبره دارد استعمار وقتی عزا دار، تو شد که دیدن این پیوند

است این خلق کرد نیست که ناراضی است و این خلق بلوچ نیست که ناراضی است اینها هنوز هم خودشان را با هم و با دیگر مردم ایران یکی می‌دانند و همه مردم ایران را یک خلق میدانند، خلق ایران که مسلمان است آنها که به مساله شیعه و سنی دامن میزنند همان مزدوران آمریکا و کارگزاران عراقی و اجیر شدگان اسرائیل هستند که با دلار و دلار بیازی میکنند و در اطلاحیه هایشان بجای خلق ایران از خلق های ایران سخن میگویند و چون پایگاه خلقی ندارند بیشتر از دیگران نام خلق را بیدک میکنند و چون خلق به آنها اعتنائی نمی‌کند رو در روی خلق می‌ایستند و چون خلق به آنها حمله ور میشود تا تنبیهشان کند خلق را

تعدادی کشته و مجروح سحای گذاشتند دریافند که قصیه بروماده بودن دول‌الحاج امام حسین بود بلکه مساله این بود که انگلستان می‌خواست آب را گل‌الود کند و خودش ماهی بگیرد.

در ایران امروز هم به شیعه‌ها باهم بر سر بروماده بودن دول‌الحاج امام حسین دعوا دارند و به ساسی‌ها بر سر حقانیت این یان و به کرد و فارس و ترک و لر و سلوچ و تترکس و عرب بر سر اینکه مس خلق عسرب و توح خلق فارس، من خلق کرد هستم و توح خلق لر دعوی حقیقی بین اسلام است و کفر، بین نظام جمهوری اسلامی که بر بار شرق و غرب نمی‌رود و آمریکا و شوروی و انگلستان و اسرائیل که می‌خواهد چنین نظامی وجود داشته باشد تا بتواند ناحیال راحت به چپاول ثروت‌های مسلمانان و مسح فرهنگ آنها و اسلام‌زدایی‌شان ادامه بدهد.

آنها جمهوری اسلامی را برای حال خودشان و فریاد بیداری ملل محروم و مستضعف می‌دانند آنها دریافته‌اند که این انقلاب بر است تاج‌های را به طوفان عصیان علیه ظلم‌ها و ستمها و نامردمی‌های جهاجواران شرق و غرب تبدیل کند این است که بانام نوش و نوان خود تصمیم به مقاله بازر گرفته‌اند و در این راه دلار و دینار بکمک هم شناخته‌اند همچنانکه ستاره شش پروداس و چکش در هم ادغام شده‌اند و همچنانکه فدائی خلق و مجاهد خلق هم به هم سحاق شده‌اند و همچنان که لبرالها و رادیکالهای چپ و روشفکر نماهای غربزده، و قلم‌بدستان مزدور و جبهه ملی آنجسانی و بهصت آزادی این چینی این روزها بر خلاف تعام فرمولهای شیمیایی در هم حل شده‌اند!! معرکه‌ای است، حقیقت این است که شیعه علی که علی را می‌سید که بحاطر اسلام از اختلاف خود با سوبکر و عمر و عثمان در میگذرد و تکمک آنها می‌شناسد و دست در دست آنها اسلام را بیاری می‌کنند هرگز بر سر مساله شیعه و سنی حاضر نیست اربیبی یک اسان قطره‌ای خون بجکد همانگونه که آن برادر سنی که محمد عبده را می‌سید که در برابر سید جمال‌الدین اسدآبادی را بومیرد تا اسلام و سیاست را تو اما میامورد و تکمک او علیه کفر نشورد و مفتیان سنی را می‌سید که مسلمانان جهان را به پیروی از رهبری واحدامام حمصی دعوت می‌کنند، هرگز حاضر نمی‌شود بر سر اینکه مس سنی هستم و تشویه در کردستان آتش افروزی کند و در گندم کشی سراه بیاندازد. برداشته‌اند و شعار «شیعه و سنی فرقی نیه» رهبر همه خمینه را مدنهادت است که سزبان دارند. در ایران و در هیچ حای دنیا در میان توده شیعه و توده سنی هرگز تشیع و سنن باهم جنگی ندارد. هر جا جنگی هست میل‌اسلام است و کفره‌یان حق است و باطل و سنی و شیعه دست مدست هم برآند تا در همه جا کفر را سراندازند و باطل را ریشه کن کنند. انشاءالله.

چماق‌دار و بیسواد و بی شعور میمانند در طول تاریخ، شیوه استعمارگران این بود که همواره روی نقطه‌ای که می‌شود از آن فاجعه آفرید انگشت می‌گذاشتند و بکمک عوامل داخلی خود ملتی را به آن مشغول میداشتند و خود به بیغماگری ادامه می‌دادند در هندوستان، در روز گساری که کمپانی هند شرقی همه کاره بود برای اینکه راحت‌تر زدی کند، گاهی مسلمانان را با هدوها و سیک‌ها بهم میآداحت و گاهی هم میان شیعه‌ها و سنی‌ها اختلاف ایجاد میکرد آنها را بحال هم می‌آداحت و خود به حال هر دو میآفادحت حتی بیکار برای اینکه شیعیان را سرحدمشغول کند و نگذارد آنها تکمک اتحاد باقیه مسلمانان در مقابل فتنه‌های شوم انگلستان

بایستند تصمیم گرفتند خود شیعیان را به هم مشغول کند برای این کار چون ایام محرم بود و شیعیان در تدارک بررگذاشت قیام کربلا بودند. این مساله را پیش کشید که آید و دول‌الحاج امام حسین ماده بود یا نه؟ این را عمال انگلستان دامن زدند و بالاخره آن مساله رور کردند و سرسرا حش و دعوائی سراه انداختند و مردم پس از آنکه

جمهوری اسلامی رای دادند روز چهارم فروردین ۵۸ یعنی ۵۲ روز بعد از پیروزی انقلاب و سه روز پس از زرفراندوم جمهوری اسلامی بود که من به جوانرود و پناهو فتم. برادران کرد ما در آن مناطق با خوشحالی اسار و ارقامی را ارائه میدادند که نشان میداد بیشترین رای را به نظام جمهوری اسلامی دادند آنها از ما به گرمی استقبال کردند و با گرمی بیشتری به بدرقه ما آمدند از پیروزی انقلاب خوشحال بودند و امام را رهبر خود می‌دانستند همانگونه که رهبران برادران اهل تسن در لسان و سوره به هم اعلام کردند که امام را رهبر جهان اسلام میدانند و از همه مسلمانان جهان دعوت کردند تا اتحاد در پیروی از این رهبر علیه جهاجواران و استعمارگران قیام کنند از آن زمان تاکنون عجمهای حدائی شیعه و سنی از سر زمین های سنی نشین ایران فراوان بگوش رسید و مظاهر بر سر همین مساله عدای از مردم بیگانه سحاگ و چون کشیده شدند و حالا بعد از یکسال و چند ماه سر همه روش شد که مساله شیعه و سنی نیست و آنها که به این مساله دامن میرسد توده مردم نیستند این خلق ترکمن نیست که ناراضی

نوشته: علی محمد نقوی  
مکاتبی  
وحدت  
مسلمین از  
دیدگاه  
قرآن

اسلام و قرآن از طرق مختلف، با تأکید بر اتساع و بسط نماز و جماعت و مراسم «حج» و غیره تلاش نموده‌اند، وحدت مسلمین و ملیت جهانی واحد اسلام را ایجاد نمایند. قرآن در مسئله جهاد فرمود:

«وَاللَّهُ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا وَكَانَ بَيْنَهُمْ مِرْصُوعٌ»

خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او چنان با وحدت و انسجام و صفوف منظم مبارزه میکنند گویی که دیوار پولادین هستند.

در نماز نیز دستور داده شد با جماعت و بصورت دسته‌جمعی نماز بگذارید تا وحدت کلمه بیشتر شود.

اذا نودی للصلوة من يوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذرا لیبیع.

وقتی روز جمعه (روزی که مسلمین را گرد می‌آورد) برای نماز ندا در داده شود بسوی یاد خدایان شتاب کنید و کسب و کار را رها نمائید.

ایجاد وحدت و ملیت واحد سراسر مسلمانان جهان را قرآن بعنوان یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند یادآوری میکند:

«وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَكَاكٍ مِنْهَا مِنَ السَّنَاءِ فَانذَرَكُمْ مِنْهَا (آل عمران: ۱۰۱)»

پایه‌های عقیدتی وحدت و ملیت جهانی مسلمین را خود قرآن در اعتقاد به پنج چیز خلاصه نموده است: «وَأَمِنَ الرَّسُولُ بِنِازِلِ اللَّهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ مِّنْ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ»

«وَأَمِنَ الرَّسُولُ بِنِازِلِ اللَّهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ مِّنْ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ»

«وَأَمِنَ الرَّسُولُ بِنِازِلِ اللَّهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ مِّنْ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ»

«وَأَمِنَ الرَّسُولُ بِنِازِلِ اللَّهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ مِّنْ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ»

«وَأَمِنَ الرَّسُولُ بِنِازِلِ اللَّهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ مِّنْ اللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ»

اسلام در جهان  
«وحدت»  
ایدئولوژیک و  
ملیت‌عقیدتی



حتی ممکن است میان اجدادشان کینه و عناد وجود داشته و سالها با هم جنگیده باشند (مانند قبیله اوس و خزرج در مدینه در زمان پیامبر) ولی مکتب الهی را پذیرفتند و در برابر خدا سر فرود آوردند. به یک ایده‌آل و یک معبود عشق می‌ورزند و او را می‌پرستند همه ریسمان وحدت را به جنگ آورده‌اند و این «حیل‌الله» همه را علیه‌غم گوناگونی‌هایشان، یکی ساخته است. آنان همه به عضویت «حزب‌الله» درآمده و با هم پیوند خوردند. تمامی «حزب‌الله» در سراسر جهان یک واحد منسجم را تشکیل می‌دهند و از کسانیکه با اسلام ضدیت دارند جدااند و لو اینکه بستگی خونی داشته باشند:

«وَلَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

و شما هیچ گروهی را نخواهید یافت که در عین حال که به خدا و روز معاد ایمان دارند، با کسانی که با خدا و رسول ضدیت دارند، رابطه دوستی داشته باشند و لو اینکه آنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان خودشان باشند... اینان «حزب‌الله» هستند بدانند که در نهایت فقط حزب خدا پیروز است

علاوه بر «حزب» کلمه دیگری که قرآن برای مسلمانان بکار برده است تعبیر «امت» است.

در احادیث نیز این کلمه فراوان بکار گرفته شده است. «امت» کسانی را می‌گوید که بر یک مبنای خاصی اشتراک دارند. مسلمانان بخاطر وحدت عقیده یک «امت» را تشکیل می‌دهند:

«وَكُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»

و کذالك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا (بقره: ۱۷)

و بدینسان ما شما را «امت میانه» قرار دادیم تا بمرمدم سراسر جهان «شاهد» و ناظر باشید و پیامبر بر شما نظارت داشته باشد.

این آیت بوضوح نشان میدهد که تمامی مسلمانان یک وحدت و یک گروه منسجم را تشکیل می‌دهند و مأموریت و رسالت جهانی را بر دوش دارند از میان تمامی اقوام و ملت‌های جغرافیایی و نژادی و زبانی، «افراد» بیرون آمده‌اند که مکتب و جهان‌بینی و ایدئولوژی مشخص و واضحی دارند اینان از همه قوم‌ها برخاسته‌اند ولی پس از اینکه بصورت «حزب‌الله» درآمده با هویت مستقلی برخوردار شده

و دیگر از هیچ قوم دیگری احساس وابستگی ندارند شاید تغییر «امت میانه» برای آنان از این جهت نیز بکار برده شده است. تغییر «آخرت لسان» (برای مردم جهان بیرون آورده

بیتدر صفحه ۸

«حزب» و «امت» شرایط دیگری دارد. در آن تنها زائده شدن در خانواده یا منطقه خاصی هیچ مزایا و امتیازاتی را دربر ندارد و لو پدر و مادر عضو حزب باشند ولی تا هنگامیکه او خودش هم با اصول اعتقادی و برنامه عملی آن «حزب» موافق و رفتارش با موازین آن منطبق نباشد به عضویت آن «حزب» در نمی‌آید. اگر فرق مزبور را میان تصور «قوم» و تصور «حزب» در نظر بگیریم، اسلام یک «قوم» نیست بلکه یک «حزب» است. و از همین جهت قرآن مسلمانان را بعنوان «حزب‌الله» نیز تعبیر کرده است.

«امت» اسلامی بدینسان یک «قوم» یا شعب نیست بلکه یک حزب است. «قوم» و «شعب» بر مبنای نسل و نسب تشکیل می‌گردند و احزاب بر مبنای مرام و عقیده و اصول و برنامه و مسلمانان» در این معنا یک حزب اند - حزب‌الله، آنان تنها بدین خاطر یک وحدت را تشکیل می‌دهند چون پیرو ایدئولوژی خاصی و برنامه مشخصی اند، و کسانیکه این مرام و برنامه را قبول ندارند یا رفتارشان منطبق با موازین آن نیست و لو اینکه از خویشان نزدیک باشند، بیگانه و حساب می‌آیند و خارج از این «وحدت» اند.

قرآن در تمامی جهان تنها دو «وحدت» را می‌بیند، در سراسر جهان فقط دو «ملیت» و دو حزب دو اردوگاه وجود دارند «حزب‌الشیطان»، «ملت ایمان» و «ملت کفر». اردوگاه کفر و حزب شیطان دسته‌های زیادی دارند، ولی از نظر کفر همه از یک تیره و نژادند، چه کفر شرق باشد چه کفر غرب جنگ آنان جنگ زرگری است، بول و غناط بجان هم می‌افتند، ولی همه آنان از دیدگاه حق‌پرستان «حزب‌الشیطان» اند.

«استخوذ علیهم الشیطان فانهم ذکر الله ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الغاسرون» در مقابل این کسانیکه وابسته به «حزب‌الله» اند ممکن است از نظر رنگ و نژاد و زبان و موطن جغرافیایی با هم مختلف باشند،

اسلامی هم از نظر روحی و معنوی و هم از نظر سیاسی با هم‌گرا پیوند دارند. اینجا باید به این نکته توجه دهیم که مسلمانان «قوم» نیستند بلکه «امت» هستند که فرآیندها تر از «قوم» است. قرآن کلمه «قوم» یا کلمات مترادف چون «شعب» را برای مسلمانان بکار نبرده است بلکه کلمه «حزب» و «امت» را بکار گرفته است.

این مبادی اعتقادی را بپذیرند همه در فراخانی وحدت سراسری الهی قرار می‌گیرند و ملیت‌ها از میان برداشته میشود و تنها یک «ملیت» خدا پرستان برجای می‌ماند: «وایا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا» هر کس این کلمه (مبادی اعتقادی) را بپذیرد در رشته اخوت با ما پیوند می‌جوید (انما المؤمنون اخوه)

مسلمین جهان است. «انا سنلقی علیک نبولا ثقیلا (المزمل- ۱)» اساس پایدار و جاویدان و ریشه‌دار بیگانگی تسمایی مسلمانان عالم این «قول ثقیل» است، ریشه وحدت مسلمین ریشه‌اش در «اراده خداوند، و دامنه و گستره آن زمین و آسمان را در بر می‌گیرد، در حالیکه همه اساس‌های دیگر وحدت زودگذر و بی‌ریشه‌اند:

الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طیبه کثیره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین یاذن ربها و یضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون. و مثل کلمه خبیثه کثیره خبیثه اجشتت من فوق الارض مالها من قرار. یشبث الله الذین امنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و یضل الله الظالمین و یضرب الله ما یشاء (سوره ابراهیم)

آیا نمی‌بینند چگونه خداوند «کلمه طیب» را مثال زده است. آن همانند درخت پاک و تنواری است که ریشه‌هایش ثابت و پایدار و شاخه‌هایش تا آسمان سر کشیده است، در هر هنگام به اراده پروردگار خود میوه میدهد و به ثمر می‌نشیند، خداوند برای مردم مثال می‌زند تا شاید آنان آگاهی یابند.

و کلمه خبیثه (بمعنای وحدت زبانی، نژاد، خون، رنگ نیز کلمه خبیثه‌اند) همانند درخت کثیفی است که بی‌ریشه است، که به سادگی کنده میشود و ثبات و پایداری ندارد. خداوند اهل ایمان را با قول پایدار (که همان مبنای عقیدتی میباشد) هم در زندگی دنیا از ثبات و وحدت پایدار برخوردار ساخته است و هم در آخرت. و کسانیکه ستمکارند (و نادیده می‌گیرند) آنان به بیراهه می‌افتند و پرت میشوند، و خدا هر چه بخواهد میکند.

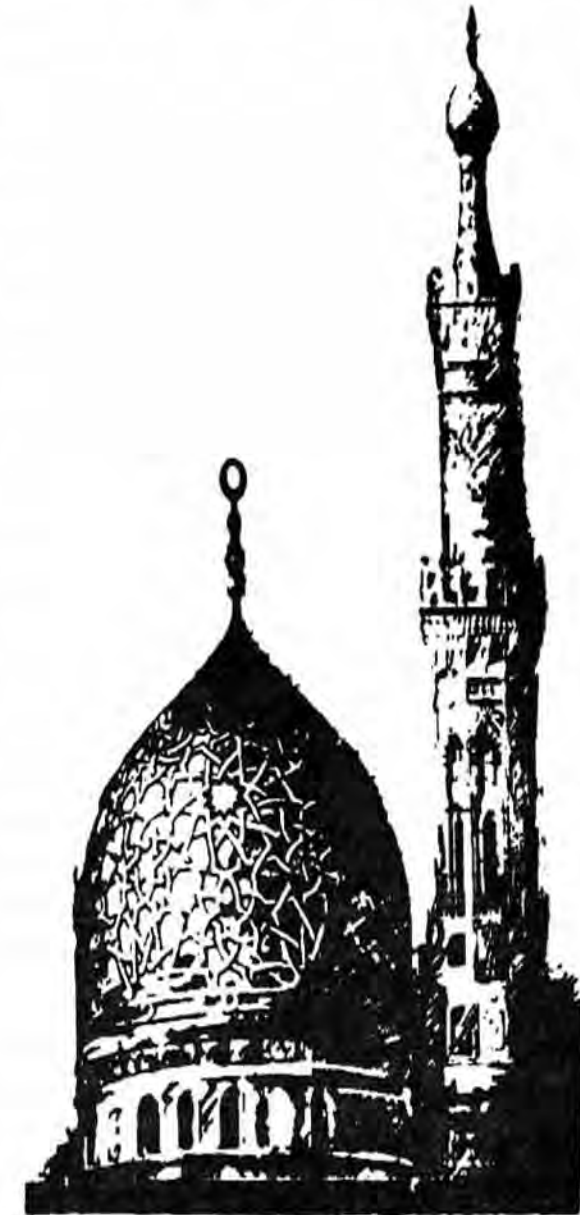
خداوند این «کلمه طیب» و مبنای اعتقادی را عرضه نمود تا حق‌پرستان را بسریک نقطه مشترک سازد و از تار و پود آنان قماش واحدی بافته شود. اگر تمامی انسانهای روی زمین

۲- مسلمانان یک «امت» و «حزب» و نه یک «قوم» و «شعب»:

در نتیجه مبانی مشترک فوق امت اسلامی ایجاد میگردد که از یکسو یک اخوت و برادری معنوی، دینی و عرفانی است و از سفا و احساس برادری «حلقه‌های عرفا بر خوردار است و از سوی دیگر یک گروه بهم پیوسته سیاسی است. چون در اسلام توحید «دین» و «دنیا» و «مذهب» و «سیاست» وجود دارد، از این جهت افراد امت

بسیار لازم است که منافاتهای طریف میان این دو فکری رادریابیم. «قوم» و «شعب» بر مبنای «خون» یا نژاد یا خاک یا زبان» تشکیل میشوند ولی «امت» واحدی است که بر مبنای اصول اعتقادی و برنامه خاصی بوجود می‌آید.

فرق دیگر میان «حزب» و «امت» از یکسو «قوم» و «ملت» از سویی دیگر این است که هر فردی که پدر و مادرش از قوم و ملت خاصی باشد، بدون در نظر گرفتن پیش و مشش و عقائد و اعمال عضو آن قوم و ملت محسوب میشود. ولی فکری



# شکوفایی وحدت اسلامی

واژه وحدت دارای معانی گوناگون لغوی، عرفانی و سیاسی است، لیکن مفهوم سیاسی آن در این بحث مورد نظر است که به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت. این مفهوم در دو بعد محدود و گسترده در یک جامعه قابل بررسی است: بعد محدود آن در شکل هیأت دولت و خوب در هر نظام سیاسی- اجتماعی امکان ایجاد یافته ظاهر می شود و بعد گسترده آن تقریباً همه مردم را در بر میگیرد، که این بعد حاکی از همبستگی و یکپارچگی و هماهنگی کلیه افراد جامعه است. این همبستگی می تواند در ابعاد و اشکالی مختلف، مبتنی بر آراء و افکار مختلف مطرح باشد، که به عنوان نمونه می توان از همبستگی های ملی و نژادی، مادی و اقتصادی و دینی و اعتقادی نام برد. البته هر یک از این انواع، خود دارای شمایلی گوناگون است، فی المثل وحدتی که بر پایه اعتقاد مذهبی استوار است، به تعداد ادیان و مذاهب موجود در جهان عقلاً امکان حدوث دارد، ولی صرف نظر از موارد فوق الذکر، بحث ما منحصر به وحدت اسلامی اختصاص خواهد داشت. وحدتی که ریشه در توحید دارد، در پرتو امامت جهت می یابد و ثمرات ارزنده ای به بار می آورد. چنین وحدتی به عنوان عامل مهم ترقی و تعالی و ممانعت از انحطاط جامعه بشری قابل طرح شدن است. لازم به تذکر است که در خارج از حوزة فلسفه عملی اسلام، همه وحدتهای نژادی و قومی و اقتصادی و سیاسی... از آنجا که مبتنی بر معنویت عقیدتی نشأت گرفته از فطرت الهی نیستند، مسکن هایی موقتی خواهند بود که دیر یا زود به تفرقه و زوال می انجامند. هر چند که بدبوسیله زمینه ترلزل اساس حکومتی ظالمانه فراهم آید و سقوط آن تحقق یابد، چه از یکسو دست استعمار تجاوزگر همواره از آستین بیرون است و لحظه ای از توطئه چینی باز نخواهد ایستاد و از سوی دیگر همبستگی های انجسانی که درست به عمارتهای بلند بنا شده بر آب می ماند- از آنجا که خانه از پای بست ویران است- باورزش تند باد توطئه ای رو به ترلزل و ویرانی و زوال خواهد گذاشت. وحدتی که در آئین مقدس اسلام از ارزش و اهمیتی خاص برخوردار است، به هیچوجه در قالب قبیله و نژاد و کشور و منطقه آنها با زیربنایهای واهی انسان مدارانه مغایر با عقل و فطرت- مطرح نیست، بلکه بنا بر اعتقاد عمیق اسلامی و پیش والای توحیدی، همه تلاشها و کوششها برای جهانی کردن آن به کار گرفته میشود. البته چنین وحدتی به سهولت امکان حصول نخواهد یافت، مگر آنکه جمیع شرایط اصولی و اعتقادی و اجتماعی لازم یکجا گرد آید و تلاشهای ابقار گرانه به نتیجه مطلوب رسد، که و نامیرده رنج گنج میسر نمیشود و امید میرود که همت تمامی مسلمین نعت رهبری واحد راه نیل بدین وحدت جهانی را هموار ساخته این آرمان والای دهنی را عنینت بخشد و سرانجام، اتحاد جماهیر اسلامی تشکیل گردد. در طول تاریخ افتخار آمیز اسلام، به ویژه

در صدر اسلام، چنین وحدتی در پرتو وحی و نبوت برای زمانی نه چندان طولانی تحقق پذیرفت، ولی در دورانیهای بعدی که حکومت اسلامی مبتنی بر حاکمیت الله، توسط حکام جورکیش اموی و سپس عباسی به خلافت و سلطنت سرورونی تغییر ماهیت یافت، بلاد رنگ به تفرقه و جدایی انجامید. تاریخ بیانگر نمونههایی فراوان از این تفرقههاست که ما ذیلاً به ذکر برخی از آنها می پردازیم. پس از آنکه طلحه و زبیر به امید دست یافتن به مال و مقام و زر و زور با امام علی- علیه السلام کردند، چون دریافتند که در حکومت حقه علی نیل به آمال پست دنیوی به هیچوجه امکان پذیر نیست، راه تزویر در پیش گرفتند و بر ضدوی به توطئه چینی پرداختند. از جمله هنگامی که امیر مؤمنان وارد بصره شد، عبدالله بن زبیر برخاست و در اجتماع مردم آن سامان خطبه ای ایراد کرد و مردم را برانگیخت تا بر ضد امام دست به شورش رند که سرانجام، به جنگ حمل منجر شد. به همین منظور، امام خطبه ای در نکوش اهل بصره که کارشان از حد تفرقه گذشته و به فساد کشیده

گفت پنداری در رد کار خویش مرتضی در چاه گفت اسرار خویش چاه چون بشنید آن تابش نبود لاجرم بر خون شد و آبش نبود همچنین فرزندان دلشید امیرمؤمنان، امام حسن- علیه السلام- مردم کوفه را که بر اثر تبلیغات سوء معاویه و ایادی نایکارش در خواب غفلت فرورفته و به نفاق و تفرقه گراییده بودند، کرارا هشدار داده و می فرمود: وای مردم، از خواب غفلت بیدار شوید و از ظلمت گمراهی بدر آید. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و موجودات را آفرید و در پس پرده عظمت پنهان گشت، اگر گروهی از شما با دلشای صاف و تصمیعی صادقانه، به دور از هرگونه نفاق و تفرقه افکنی با من قیام کند، پیشترانه با شمشیر به جهاد خواهم شتافت و با تیر کردن لبه شمشیرها و نوک نیرها و کناره سم اسبها آماده نبرد خواهم گشت. اینک شما به سخن آید، خدایان رحمت کند»



گویی که افسار سکوت بر دهانشان زده شده بود و همچنان در خواب مرگبار غفلت بسر میبردند در دوران خلافت سنگین عباسیان اوضاع به مراتب، دشوارتر مینمود. احتیاق و قتل و شکنجه و تبعید از حد گذشته و لهو و لعب و باده گساری و عشرت طلبی درباریان به نهایت رسیده بود و جز بیدار دلانی اندک که گاه و بیگاه بر ضد حکومت وقت قیام میکردند، بقیه مردم غرق در زندگی تجمل امیر مادی بودند که بدین جهت دست یافتن به وحدت هرگز امکان نداشت. حکومتهای بعدی هم در اثر زورمداری زمامداری کم و بیش زمینه تفرقه و جدایی مردم از یکدیگر را فراهم آوردند و نتیجه اختناق و خفقان را بر حوامع حاکم کردند تا نتوانند چند روزی بیشتر برسد سلطنت باقی بمانند. امروزه ملت مسلمان ایران به لطف و عنایت پروردگاری و با رهبرهای حکیمانه امام خمینی- مدظله العالی- به نعمت ارزنده وحدت دست یافته است و بر آن است که این وحدت را جهان شمول گرداند، تا قاید و بندهای

نژادی و زبانی و قومی از دست و پای عقل و فطرت گشوده شود و همه مسلمانان تحت لوای جاودانه ولا اله الا الله، در جهان از هم گسیخته کنونی، به عنوان «امت واحده» در آیند، آمتی که به اصول اعتقادی اسلام سخت پای بند است و به پیروی از سیره رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- «امت اللهی» خواننده میشود، عمیقاً به روز واپسین ایمان دارد و روی به سوی کعبه- این قبیله واحد- نماز میگذارد، قرآن را با تدبیر و تأمل تلاوت میکند و فرامین سعادت بخش آن را نصیبالعین خود در زندگانی قرار میدهد، و در حقیقت این کتاب عظیم آسمانی را قانون زندگی میداند، قانونی که روشنگر مسئولیتهای فردی و اجتماعی انسان در ارتباط با آفریدگار بی همتاست و مسیر بیانگر حدود حیات اجتماعی انسانهاست خدای تعالی مسلمانان را مکرراً با لفظ «امت» که معرف وحدت عقیده و همبستگی معنوی است- در قرآن، این نسخه بی بدیل مورد خطاب قرار داده است که برای نمونه به ذکر آیه ۱۱۰ از سوره آل عمران می پردازیم.

و طایف فردی، خود را در قبایل مسائلی که در اجتماع می گذرد، مسئول می داند و می کوشد که در خدمت به مردم و اعتلای جامعه از دیدگاههای مختلف نقش ارزنده و اساسی ایفا کند. برای روشن شدن این مهم، یعنی همگونی دین و سیاست در اسلام از سخن موجز و مستقیم و آگاهی بخشی پیشوای دوم شیعه در این خصوص مدد می گیریم که فرموده است: و سیاست آن است که حق خدا، حق زندگانی و حق مردگان را رعایت کنی. حق خدا آن است که آنچه خواسته است، به جای آوری و از آنچه نهی فرموده است، بپرهیزی، حق زندگانی آن است که وظایف را نسبت به برادران مسلمانان انجام دهی و در خدمت به ملت خویش درنگ نوزی و نسبت به زمامدار تا آنجا که صادقانه به ملت خدمت می کنی، تو نیز وفادار مانی و چون از راه راست منحرف شوی، در پیش رویی فریاد برآوری. حق مردگان آن که نهکیهایشان را بازگو کنی و از بیهوشی چشم پوشی، چه آنان را پروردگاری است که به حساب اعمالشان خواهد رسید. حال اگر با اعتقادی راسخ و در سایه وحدت اسلامی، این موازین مو به مو رعایت شود و جامعه عمل پوشد، آیا ثمراتی ارزنده چون برادری و برابری، ایثار و فداکاری، آزادی و استقلال، تعاون و همدیاری، و نتیجتاً رشد فکری و فرهنگی به بار نخواهد آمد و جامعه رو به رشد معنوی و کمال مطلوب پیش خواهد رفت؟ از این مجمل. در آغاز بحث اشارت رفت که وحدت اسلامی یکی از عوامل



سازنده جامعه و سازنده آن از هرگونه انحطاط و انحراف و رکود احتمالی است. اکنون باید عوامل بنیادینی را که در پدید آمدن چنین وحدتی، نقش مهم و موثر دارند، مورد دقت و بررسی قرار داد، عواملی که اساس اسلام و ایمان را نیز تشکیل می دهند و عبارتند از: توحید و نبوت و معاد، که اگر کسی منکر یکی از این سه اصل مسلم شود، بی تردید نه مسلمان است و نه مومن و در صورتیکه به یکنایی پروردگار و نبوت رسول اکرم- صلی الله علیه و آله و سلم- و روز جزا ایمان آورد، به حکم آیه شریفه «من آمن بالله... و اليوم الاخر و السلائک و الکتاب و النبیین...» مسلمان حقیقی است، و چنین کسی مشمول تمام حقوق اسلامی خواهد بود. البته شیعه علاوه بر اصول سه گانه فوق الذکر به دواصل عدل و امامت نیز اعتقاد دارد، و از آنجا که امامت را همانند نبوت یک نوع منصب الهی می داند، در ارتباط با موضوع مورد بحث در جای خود بدان اشاره و نقش ارزنده آن را بیان خواهیم کرد. توحید، نخستین و اساسی ترین عامل در ایجاد وحدت کلمه و اتحاد میان مسلمین است که بر سه رکن رکن پرستش، ستایش و فرمانبرداری تکیه دارد. یک مسلمان راستین، به حق تنها خدای بزرگ را که «رب العالمین» است، شایسته پرستش و کسرتش می داند و هیچگاه در برابر غیر او حتی انبیاء و اولیائش- سر تسلیم و تکریم فرود نمی آورد و آنگاه که مالک اصلی همه موجودات است، می پردازد، از او به برتری و عظمت و کبریایی یاد می کند و تقدیس و تسبیح و تنزیه را جز در پیشگاه کبریائش، در برابر هیچ موجودی روا نمی داند، و چون پرستش و ستایش به مفهوم واهی کلمه رعایت گردد، انسان خود را ملزم و موظف به اطاعت فرمانبرداری محض در برابر حضرتش می بیند، اطاعتی که خاص ذات کبریایی اوست. در نتیجه چنین انسانی همه امکانات مادی و معنوی خویش را در راه تحصیل رضای پروردگار بکنا به کار می گیرد، از مال و جان در راه وصال به محبوب می گذرد و در تمام شئون حیات، رضای حق را در مد نظر دارد و دمی از زیاد خالق هستی غافل نمی ماند و به جایی می رسد که جز خدا هیچ نمی بیند و جز به عشق او دل در سینش نمی نهد و به قول شیخ اجل، سعدی شیرازی: رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تاجه حد است مسکن آدمیت در چنین مرحله ای است که اثرات توحید به گونه های فردی و اجتماعی در انسان تحقق می یابد بدین معنی است که به عبارت دقیق و طایف فردی و اجتماعی و اخلاقی در ایجاد مختلف اهتمام می ورزد و آلی از مسدول داشتن سعی بلیغ در ادای وظایف و مسئولیتهای خطیر غافل نمی ماند. به همین منظور اساس همه ادیان الهی بر پایه توحید استوار گشته قرآن کریم با فراخواندن اهل کتاب به وحدت کلمه صریحاً بدین مهم اشاره می کند که: «و بگو ای کتاب

# شکوفایی و وحدت اسلامی

بیاید یک کلمه را که همه در آن اتفاق نظر داریم، بسط دهیم: جز خدای یکتا پرستش نکنیم و برای او شریکی قائل نشویم و برخی دیگر را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. اگر آنان از حق روی گردانند، بگو گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم. (قرآن کریم، سوره آل عمران آیه ۶۴) بنابراین در توحید اسلامی این نکته ظریف اساسی نهفته است که چون آفریننده همه کائنات خدای بی‌همتا است و هموست که رشد و صلاح بندگان را می‌خواهد و رحمت و مهربانی خود را از آفریدگان دریغ

نمی‌دارد، بجاست که انسان به پرستش او قیام کند، بدو توکل نماید. در همه مشکلات و معضلات از حضرتش مدد جوید، به فضل و رحمت بی‌کرانش امید بندد و به حکم **«لا مؤثر فی الوجود الا...»** جز او را مؤثر مستقل در جهان هستی نداند، بدین گونه مرکز دایره هستی و مبدأ آفرینش و فیض مطلق ازلی تنها اوست و هدف نهایی نیز توفیق وصال حضرت اوست، که **«انالله و انالیه راجعون»**، و چون مبدأ حرکت و هدف انسان و مرجع اصلی، خداوند لایزال است، پس او نقطه اتکای همه انسانها خواهد بود و بندگان مخلصش از نعمت وحدت که همان اعتصام به حبل... منین باشد- برخوردار خواهد شد در نتیجه، اختلاف و افتراق دیگر معنی نخواهد داشت و جامعه در پرتو بینش توحیدی سیر صعودی به سوی معنویت و کمال خواهد یافت.

پس از توحید، مؤثرترین عامل ایجاد وحدت میان مسلمین اصل نبوت است. این اصل که خود بر پایه توحید و وحی استوار است، روشن کننده روشن زندگی و تعیین کننده حدود و وظایف و تعهدات انسان نسبت به خدا و خود و جامعه است. درست است که انسان همواره از دو راهنمای عقل و فطرت برخوردار است، ولی از آنجا که راهنمایی آنها کافی و کامل نیست، لزوم ارسال رسل و انزال کتب به منظور برخوردار شدن بشر از هدایت کامل و نیل به سر منزل مقصود، که همان سعادت دارین باشد در قاموس طبیعت الهی حتمی می‌نماید، چه اگر فطرت هدایت نشود، امکان دارد که با گرفتار آمدن در جنگ اوهاام پیوج و خرافات واهی ناخودآگاه به ورطه خطا و انحراف فرو افتد. همچنین ممکن است عقل و ضمیر تحت تاثیر تمایلات نفسانی از دآوری صحیح بازماند و در مستحلاب انحطاط و سقوط درغلند.

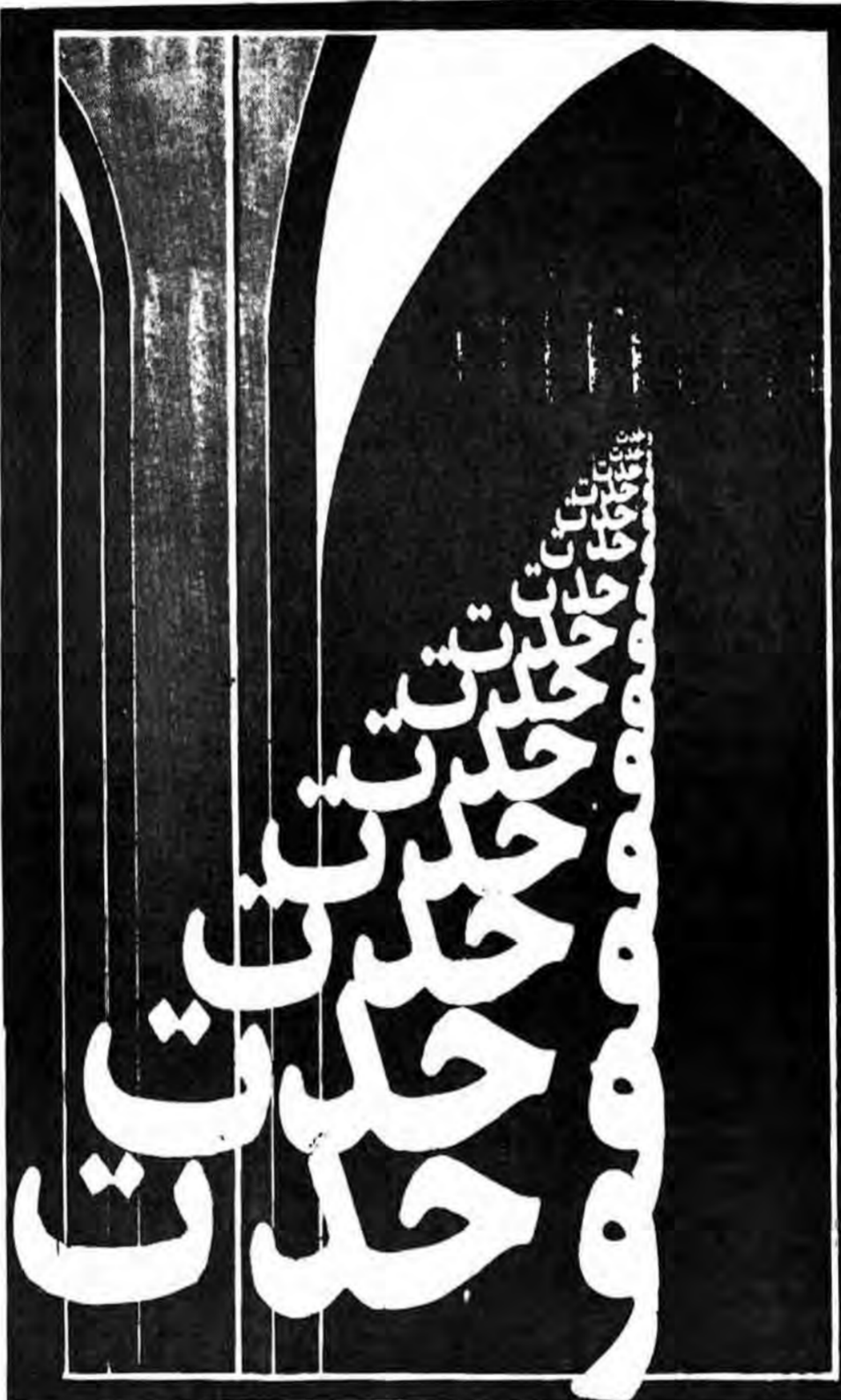
بنابراین، انسان سخت نیازمند رهبری کامل موسوم به رسول پیامی است، تا با بسطکار بستن دستورات وی از هر گونه انحرافات فطری و عقلی در زندگی فردی و اجتماعی مصون ماند، رسولی که فرامین و قوانین مبتنی بر وحی در قالب کتاب آسمانی است، رسولی که با جهان غیب سروکار دارد و از نعمت عصمت برخوردار است. بدیهی است که پیامبران همواره مبارزه با ظلم را- که در واقع همان شرکت با... است- سرلوحه رسالت آسمانی خویش قرار میدادند تا با ریشه‌کن

مطلق خداوند بر کلیات و جزئیات جهان هستی منافاتی داشته باشد- روش حیات خودبسنده را باز یافته در قبالت اعمال خویش مشغول باشد، که خداوند متعال، خود فرموده است: **«وما انا بظلام لسلمیبه»** (سوره ق، آیه ۲۹)

پس از بیان مختصر سه اصل اساسی توحید و نبوت و معاد و نیز اشاره کوتاه به عدل الهی ضروری

بنحو مطلوب جامعه عمل پوشاند و در اجزای اوامیر الهی درنگ روامدار و از هیچ خدمت خدا بستانداری دریغ نوزد، چه میدانند که دنیا مزرعه آخرت است و با فعالیت بیشتر در راه حق است که موجبات تقرب به حضرت باری تعالی فراهم می‌آید. از همین روست که امروزه شاهد جانفشانی‌ها و پاکبازی‌های جوانان عزیز هستیم که با درک

ساختن هر گونه بی‌عدالتی، زمینه وحدت و برقراری عدل و معنویت را در پرتو حاکمیت مطلق خدا فراهم آوردند. لقمان حکیم در وصایای خود به فرزند، بدین نکته اساسی اشاره کرده گوید: **«وایمنی لاتشرك بسا... ان الشکر لظلم عظیم»** (سوره لقمان، آیه ۱۳)، زیرا وقتی بت به مفهوم کلی، اعم از سنگ و چوب و انسان و غیره مورد پرستش قرار



است که از امامت به عنوان اصل نشات گرفته از نبوت سخن به میان آید. امامت در واقع دنباله نبوت است و امام نیز عهده‌دار هدایت مردم پس از نبی، ضرورت وجود امام از دو جنبه علمی و قانونی و نیز علمی و اجرایی قابل بحث و بررسی است. درست است که رسول اکرم (ص) اصول احکام مردم ابلاغ فرمود ولی از یکسو تشریح و تفسیر این احکام و برداشتن پرده ابهام از آیات قرآن و نیز حل و فصل مشکلات و معضلات نوظهور ناشی از برخورد دین مبین با آراء و افکار و فلسفه‌های مختلف ایجاب می‌کرد که فردی لایق در هر عصر و زمان وجود داشته باشد تا با درایت کامل مانع بروز و شیوع هر گونه تحریف و مسخ و تغییر حقایق دینی شود و اسلام را بی‌هیچ الایش و انحرافی به نسلهای بعدی بسپارد، و از سوی دیگر چون اسلام دینی است که به جامعه و امت عنایتی خاص دارد و در تمام شئون فردی و

صحیح از مکتب اسلام به حقیقت ایمان نائل آمده نه تنها از بدلت مال و جان دریغ نمی‌ورزند، بلکه به عشق لافا... در پذیرش شهادت بر یکدیگر سبقت می‌جویند و نیک میدانند که در میدان مبارزه بر علیه باطل چه کشته شوند و یا پیروز گردند. همواره مورد عنایت و الطاف بیکران پروردگار خویش خواهند بود و فوز عظیم را در خواهند یافت. ساین تسویهات وقتی انسان به حکم آیه شریفه **«ومن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرأ یره»** دریافت که اعمالش دقیقاً از سوی پروردگار عالمان مورد بررسی قرار میگردد و به ازای کارهای نیک پاداش و در برابر کارهای ناپسند گیر می‌بندد، تمام هم غور را برای جلب رضای خالق خویش به کار میگیرد و لحظه‌ای فتنور به خود راه نمی‌دهد، و این نکته، خود مبین عدل الهی است که احساس مسئولیت را افزونی می‌بخشد تا انسان با آزادی اراده و اختیار- بی‌آنکه با حکومت

گیرد، بی‌شک تفرقه و جدایی به همراه خواهد داشت. همینطور است نژادپرستی، وطن‌پرستی، قهرمان‌پرستی و صدها پرستش بی‌پایه و اساس دیگر که چون با وحدت و یکپارچگی مسافرت دارد، به از هم گسیختگی مردم یک جامعه خواهد انجامید. پروردگار بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: **«ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط...»** (سوره حدید، آیه ۲۵) و همانا پیامبران خود را با دلایلی روشن و آشکار فرستادیم و برایشان کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند

همگی از اعتقاد بدین اصول برخوردارند چرا به وحدتی استعمارشکن دست نیابند و امتی واحد تشکیل ندهند. درست است که استعمارگران همواره کوشیده‌اند که به هر وسیله‌ای رخنه و شکاف در صفوف مسلمین ایجاد کنند و یا برخی از مفرضان برانند که وحدت اسلامی را زیرکانه به گونه‌ای غیرمنطقی و غیرعملی با نام وحدت مذهبی مطرح نمایند ولی ایستادگی اعتقاد اسلامی حکم نمی‌کند که مسلمین در یک صف واحد در برابر دشمنان مشترکشان متشکل شوند؟ آیا اگر چنین اتحادی به وجود می‌آمد، فلسطین از جنگ اسرائیل غاصب و چپاولگر بیرون نمی‌آمد و آزادی خود را باز نمی‌یافت؟ استعمارگران همواره تلاش کرده‌اند که با استفاده از شیوه‌های شیطانی مسلمین را به تفرقه کشانند و در اعتقاداتشان خللی پدید آرند. اینان با استفاده از مفترقات مذهبی میان فرق اسلامی کوشیده‌اند که دو برادر را به جان هم افکنند تا بر سبزه خصمانه و دشمنانه خود بیفزایند و راه چپاولگری را در پیش پای خود هموار سازند و با پراکندن خرافات و گسترش آن مسلمین را به انحراف و انحطاط سوق دهند و در این راه حتی از اختلاف زبانی در میان مسلمین در راه پیشبرد مطامع ضد انسانی سود می‌جویند.

با این توصیفات لازم می‌آید که امام از دانش و بینش کامل برخوردار باشد، در فضیلت و معنویت و تقوی نمونه‌ای عالی و اعلا باشد، از نعمت عصمت بهره‌مند و به کلی از خطا و لغزش مصون باشد و مجری قانون الهی در جامعه و رعایتگر حقوق مردم و برقرار کننده عدالت باشد. در نتیجه چنین رهبری نباید برگریده خداوند متعال باشد، چنانکه در قرآن آمده است:

**«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فمساءلک رسالسته و...»** **یعصمک من الناس»**. (سوره مائده آیه ۶۷)

به همین منظور زمین خدا هیچگاه از حجت خالی نخواهد بود و حتی امروزه که دوران غیبت کبری و لی عصر حجة بن الحسن المهدی- روحی و ارواح العالمین له الفداء- است، جامعه اسلامی نیاز مبرم به پیشوای مذهبی آگاه به مسائل اجتماعی و سیاسی در اداره حکومت دارد که با تفسیر ولی فقیه از آن نام می‌بریم، ولی فقیه به عنوان نایب امام زمان موظف است که به مبارزه با هر ظلم و کفر و نفاق برخیزد و زمینه اجرای عدالت در جامعه را فراهم آورد. بنابر این در پرتو اعتقاد به ولایت فقیه و با رهنمودهای ولی فقیه است که جامعه تشکیل می‌یابد و امت واحد پدیدار می‌شود تا پایه‌های ظلم و شرک را در هم کوبد و عدالت را جایگزین گرداند. به طور کلی نقش پیامبر و امام و ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه بسیار چشمگیر و اساسی است و جامعه نمی‌تواند بدون رهبر به وحدت و یکپارچگی دست یابد. رهبر جامعه اسلامی نخست با آگاهی دادن به مردم می‌کوشد که مردم را در فکر و عمل هماهنگ سازد و به حرکت و قیام وادارد. رهبر جامعه جوان قلب در بدن جامعه موجب حیات و حرکت و انسانهاست و همانطور که قبلاً اشاره شد با ایجاد وحدت است که می‌توان به آزادی و استقلال، تعاون و ایثار و برادری و برابری دست یافت و جامعه را به سوی کمال مطلوب سوق داد. وحدتی که امروزه در جامعه اسلامی ایران به چشم می‌خورد با رهنمودهای رهبری حکیم و مدبر و همت امتی حق‌پرست و فداکار به منصف ظهور رسیده است که اساس اعتقاد آنان بر توحید و نبوت و معاد استوار است. حال سخن در این است که مسلمین جهان که

جای بسی خوشوقتی است که در روزگار ما برادران شیعه و سنی در ایران به چنین وحدتی عظیم و شکوهمند و بی‌سابقه دست یافته‌اند و امید می‌رود که این وحدت، به همت تمامی برادران مسلمان و در محالک مختلف جهانی شود و اتحاد جماهیر اسلامی تشکیل گردد تا بدینوسیله دست استعمارگران و ایستادی داخلی آنان از سر مستضعفان کوتاه گردد و زمینه سقوط و نابودیشان فراهم آید که **«وان تنصروا... ینصرکم و ینصرون»** عسیرضا میرزا محمد- ۱۳۶۰/۱۰/۲۰

# «وحدت ایدئولوژیک و ملیت عقیدتی»

بقیه از صفحه ۵  
شاید هم ناظر بر رسالت جهانی این گروه است و هم احتمالاً ناظر بر اینکه ایران از تمام قوم‌ها و ملت‌ها سربرافراشته‌اند.

سومین تعبیر که برای مسلمانان در احادیث پیامبر و ائمه بکار گرفته شده است کلمه «جماعت» است که این نیز همان مفهوم حزب را دارد (ولو علیکم بالجماعه ویدالله علی الجماعه) ولی کلمه «شعب» (ولو ایستکه تعبیر «شعب» در قرآن وجود دارد) و «قوم» را متون اسلامی برای «گروه مسلمان» بکار نرفته‌اند و علت همان است که ما اشاره نمودیم. «شعب» و «قوم» یک «واحد ایدئولوژیک» را نشان نمیدهد بلکه بیشتر بر «واحد جغرافیایی» و یا نژادی و نسانی ناظر است و مسلمانان جهان یک واحد ایدئولوژیک را تشکیل میدهند و نیز هر کس در یک قوم، و یا «شعب» (ملت) زائیده شود عضو آن قوم و ملت است ولو از نظر عقیده و عمل فاسد و یا منحرف باشد. ولی عضویت در «حزب»، «جماعت» یا «امت» موکول بر این است که ما برنامه آنرا قبول داشته و رفتارمان منطبق با دستورات موازین آن باشد.

اگر کسی از اصول عقیدتی و مرام و برنامه یک «حزب» تخطی کند و یا انحراف پیدا نماید، دیگر نمیتواند «عضو» آن جماعت بشمار بیاید، ولو پدر و مادر و اجداد او نسل در نسل در آن حزب عضویت داشته باشند، خود کلمه «مسلم» و «اسلام» نشان میدهد که این «اسم ذات» نیست بلکه «اسم صفت» است، کسانی که دارای آن صفت‌اند مسلمان تلقی میشوند و باهم برادرند.

## ۳- اسلام تنها دینی که «امت» را ایجاد نمود.

در نتیجه مبانی عقیدتی و فرهنگی فوق تمام مسلمانان جهان یک «امت واحد» را تشکیل میدهد در میان ادیان دنیا، اسلام تنها دینی است که یک «امت» را که جهان بینی، و طرز تفکر و طرز زندگی و نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی واحدی داشته باشند پایه‌ریزی میکند. ادیان دیگر مانند مسیحیت و بودائیسیم و دین هند، چون تنها در بعد عبادی-عقیدتی خلاصه میشوند و بعد اجتماعی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ندارند. به هیچوجه امت جهانی را تشکیل نمیدهند. در زندگی یک مسیحی مسیحیت تنها یک رور (رور بکشه) را اشغال میکند که او به کلیسا سر میزند ولی در شش رور دیگر هفته او در واقع یک آلمانی یا فرانسوی یا امریکایی است و در این مقولات فکر میکند و نه یک مسیحی، ولی اسلام چون رنگی فردی و جمعی و شخصی و سیاسی انسان را دربر میگیرد یک مسلمان در هر لحظه نخست یک مسلمان است، و در وهله بعدی یک ایرانی

یا افغان. وحدتی و انسجامی که اسلام میان مسلمانان جهان ایجاد میکند ناشی از همین خاصیت همه مشمول آن است. ضیاگو گلب، بسزرگترین نئوریسین ناسیونالیسم ترکیه، در انتهای بلاغت و سادگی پنداشت که «مسیحیان» نیز مانند مسلمانان یک «امت» اند و کشف بزرگ خود را درباره فرق میان «امت» و «ملت» چنین بازگو کرد:

کسانی که پیروان یک مذهباند یک «امت» را تشکیل میدهند. در مقابل، «ملت» یا «میهن» مفهوم منسجم است که ارزشهای اخلاقی، قوانین، نهادهای سیاسی، هنر و ادبیات، تشکیلات اقتصادی علم و فلسفه و تکنولوژی همه را دربر میگیرد. در یک «امت» ممکن است دهها گرایش و انواع سیستم‌های فزائی، سیاسی و اقتصادی وجود داشته باشند ولی در یک «امت» و میهن در تمامی شئون فوق وحدت و هماهنگی حکمفرما است. (۱)

ولی تعریفی که گوگلب بدست میدهد استنباط شده از ماهیت تک بعدی محدود تصور دین در مسیحیت است و نه تصور دین در اسلام. اسلام در سراسر جهان یک سیستم قضائی، سیاسی، اجتماعی را حاکم میگرداند. و ارزشهای اخلاقی و نهادهای تشکیلات و حتی گرایش‌های هنری و علم و فلسفه را کنترل نموده، همه را از جهت مشترک بر خوردار میسازد. از این جهت پیروان ادیان و ملل دیگر با مسلمانان قابل قیاس نیستند. اقبال، اندیشمند اسلامی به ضیا گوگلب چنان پاسخ میدهد:

با ملل باختر خود را همانند نه پندار  
سرت امت محمدی از همه جدا گانه است  
وحدت آنها منگی بر نژاد و میهن است چون نظام عقیدتی سرزنده ندارند  
ولی وحدت تو بر محور عقیده و دین دور میزند  
اگر تو مکتب و عقیده خویش را از دست دادی، دیگر هویتی ندارد

## ۴- تجلی وحدت عقیدتی اسلام در بستر تاریخ

در جامعه و دولتی که پیامبر اسلام بوجود آورد تنها ملامت و ملیت عقیده بود. از ارکان دولت اسلامی در جزیره العرب یکی سلمان بود که اهل فارس بوده و وقتی کسی از وی درباره نسب سؤال میکرد پاسخ میداد: سلمان بن اسلام. امیرمؤمنان درباره سلمان همواره میفرمود: «سلمان منا اهل بیت» سلمان از جمله اهل بیت ما است. در میان این ان بااذان بن ساسان و پسرش شهر بن بااذان بوده که در سلسله بهرام گور بوده است، پیامبر،

بااذان ایرانی را بعنوان استاندار یمن و پسرش را بعنوان فرماندار صنعاء منصوب کرد. یکی دیگر از ارکان حکومت و جامعه اسلامی در جزیره العرب، «سلال» از حبشه بود که درباره او عمر میگفت «سیدنا و مولی سیدنا»، او غلام آقای ما و خودش آقای ما است. یکی دیگر از ارکان جامعه اسلامی جزیره العرب صهیب تبعه روم بود در آن سالم غلام ابو خدیفه اهل افریقا بود. زید بن حارثه یکی دیگر از ارکان جامعه اسلامی بود که حتی دختر عمه خودش را به ازدواج او داد.

اسامه بن زید پسر زینب انصاری را پیامبر بعنوان فرمانده کل

نصف مزارع و باغات خود را به مهاجرین واگذار نمودند و وقتی اراضی بتی نصیر گشوده شد انصار از پیامبر خواست نمودند اراضی به مهاجرین اعطاء گردد. همینگونه اینبار بوده که قرآن تحلیل نمود. «و یوترون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة». وقتی پیامبر بر مبنای اسلام میان عبدالله بن عوف و سعد بن ربیع انصاری مواخات برقرار نمود، سعد حاضر شد تمام دارائی خود را نصف نصف کند و یکی از ازدواج خویش را طلاق دهد تا در ازدواج برادر دینی «خود» درآورد.

اسلام چنین وحدت شگرفی را برقرار نمود و بدینسان از افراد

اسلام و مسلمین مشغول بودماند. حکومت‌ها و جامعه مسلمان هیچوقت خود را در دایره تنگ ملیت جغرافیایی و یا نژادی محدود نکردند. آنان اهل فکر و اهل شمشیر را از همه جا بدست آوردند و تمامی دارالاسلام را میهن گسترده اسلامی خویش محسوب میکردند.

این تجلی وحدت مسلمین و بیانش انترناسیونالیستی اسلام در بستر تاریخ، حتی در دوران انحراف و فساد بوده است.

## ۵- تمامی مسلمین جهان یک «امت» در جامعه و ملیت جهانی

هر مسلمانی چه چینی باشد یا عرب. سیاه باشد یا سفید، زبانش ترکی باشد یا فارسی از نژاد آریایی باشد یا از نژاد سامی عضو تمام عیار امت اسلامی است و از افراد جامعه واحد اسلامی و شهر وند اسلام و سرساز ارتش اسلام و دارای وظائف و حقوق مشترک اسلامی است. در شریعت اسلام هیچ ماده‌ای وجود ندارد که در عبادات، معاملات، روابط جمعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان را تفریق نماید در جامعه اسلامی نژاد، رنگ پوست نیز ملاک نیست و بر مبنای رنگ هیچ تبعیضی یا تفریقی روا نیست. رنگ پوست اصالت ندارد چرا که همه مسلمانان یک رنگ‌اند و رنگ خدائی دارند:

«صیغه الله و من احسن من الله صیغه»  
چون ملاک عقیده است از این جهت سیاه پوست و سفید پوست، اگر هر دو تعهد به اسلام دارند یک «ملیت» دارند و دو سفید قام اگر از نظر عقیده جدااند. مربوط به دو ملیتهای جداگانه‌اند.

در اسلام اختلاف زبان نیز ملاک نیست، زبان دهن هر چه باشد اگر زبان قلب و عقیده یکی است و مکتب و ایدئولوژی مشترک است، و فارس و ترک و عرب، همه «هم‌زبان» محسوب‌اند. و اگر یکی در مقولات «اسلام» فکر میکند دیگری در مقولات «کفر» ولو اینکه ظاهر ایشان با یک زبان تکلم کنند ولی در حقیقت زبان همدیگر را نمی‌فهمند.

کسانی که به نظامات و مکتب الهی وفادارند و جانهای خود را به خدا فروخته‌اند، آنان وابسته به «ملت» واحدند، چه در ایران باشند، یا افریقا یا مصر یا هند و کسانی که به مکتب الهی کافرند و در برابر دستورات خداوند یا تخفیری پیشه کرده‌اند، ملت دیگری را تشکیل می‌دهند که همانند مومنان، کافران نیز یک «ملت» را تشکیل می‌دهند و الکفر «مله واحده» و لساویکه بظاهر شهروند یک کشور اسلامی باشند.

بدینسان اسلام وحدت را بر مبنای عقیده قرار داده است. طبق این ملاک دو برادر اگر هم عقیده نیستند جدا محسوب می‌شوند و دو فرد که از دورترین نقاط جهان باشند «برادر» میگردند.

سر عشق از عالم ارحام نیست آن زسام و حام و روم و شام نیست کوکب بی شرق و غرب بی غروب در مدارش نی شمال و نی جنوب

## ۶- رابطه با دیگران

مفهوم وحدت مبتنی بر ایدئولوژی و ملیت مستقل اسلامی مسلمانان این نیست که آنان تمامی روابط انسانی را با کسانی که معتقد به این مکتب نیستند قطع کنند. رابطه میان غیر مسلمانان دوگانه است یک رابطه انسانی است «در انسان» بودن آنان با ما اشتراک دارند و از اینجهت، مسلمان موظف است حقوق انسانی آنها را مراعات و با آنان مهر و عطوفت و رفتار انسانی داشته باشد ولی از نظر مرام و عقیده آنان با ما جدایند و اختلاف بقیه در صفحه ۱۱



اسلام فقط یک مرز وجود دارد که ولله الا الله و محمدا رسول الله است. هر چه درون آن باشد در یک واحد و هر که بیرون آن باشد بیگانه محسوب میگردد. عقیده به دو اصل فوق بیگانگان را یکی میسازد و سرساز زدن از آن خودی را بیگانه میگرداند. آنان که بوسیله این اصل با هم گره خورده‌اند نه فرق رنگ پوست می‌تواند آنانرا جدا سازد و نه فرمان زبان نژاد و فاصله مکانی و ملیت جغرافیایی هیچ زبانی نژادی، سرزری، کوهی و اقیانوسی حق ندارد مسلمان را از مسلمان جدا کند.

و گروهها و قبائل و قومهای مختلف را در یک یک ملیت «اسلامی» و «عقیدتی» ذوب کرد. در سراسر تاریخ اسلام، هر جا تمدن و فرهنگ مسلمانان شکوفا شده و یا یک حکومت و سلطنت نیرومندی بوجود آمد در شکوفائی و نیرومندی مسلمانان نژادها و کشورهای مختلف سهیم بودند، فرماندهان لشکر، مسئولان کشوری، هنرمندان، شعراء علماء فضلا اهل قلم، اهل شمشیر از ملیتهای جغرافیایی مختلف در کنار هم قرار داشتند. ایرانی در هند، و کرد در افریقا و مصری در ایران، و افغانی در شام به خدمت

قوا در یکی از جنگهای مهم قرار داد و اعراب خالص چون ابوبکر و عمر و ابوعبیده بن الجراح زیر فرماندهی وی قرار گرفتند. اسلام موجب شد که میان مهاجرین مکه و انصار مدینه بر مبنای دین چنین وحدت و همبستگی ایجاد شود که آنان همدیگر را بیش از خویشان خود دوست داشته باشند. پیامبر میان مهاجرین و انصار مواخه برقرار نمود. ایمن چنین برادری بوجود آوردند که سالها میراث همدیگر به اینها میرسیده است تا اینکه آیت قرآن نازل گردید و اینگونه توارث را پایان داد (اولوا الارحام بعضهم اولی بعض) انصار مدینه



**بمناسبت سالروز میلاد باسعادت حضرت رسول اکرم (ص)**

من دل‌باخته را قبله حاجات توئی  
که مرا شاهد شبهای مناجات توئی  
عشق را مصدر و عشاق جهان را مقصود  
سرور اهل صفا سید سادات توئی  
ایت حق همه در شان تو نازل شده است  
که بقرآن همه جا معنی آیات توئی  
دگران دم اگر از کشف و کرامات زدند  
بس همین نکته که مفهوم کرامات توئی  
گرچه گفتی که مرا فقر بود مایه فخر  
فقر گوید که مرا فخر و مباحات توئی  
معور دایره عشق چو گوشتم دیدم  
مرکز کون و مکان نقطه اثبات توئی  
(مژده) از سینه هر آندم که برآرد گوید  
من دل‌باخته را قبله حاجات توئی  
بیمقدار: مصطفی قشماي (مژده)

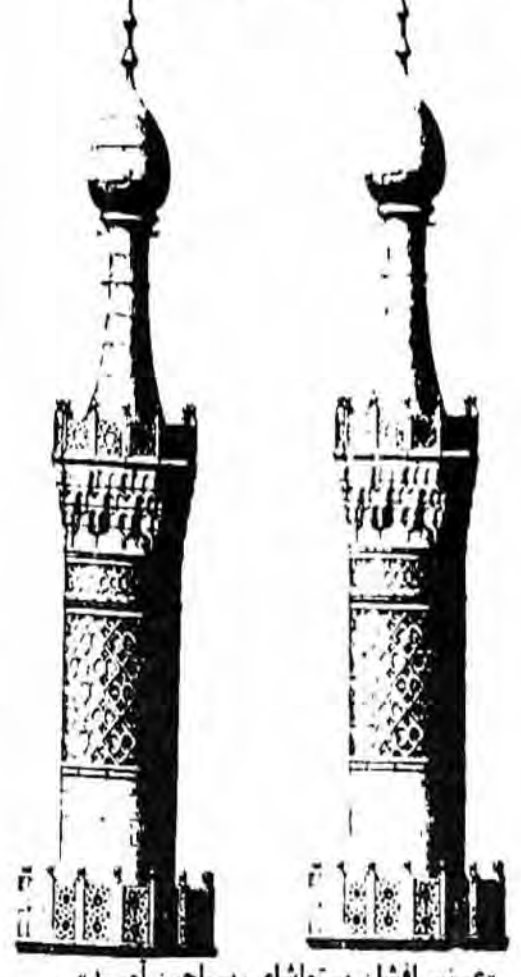


ما که از قید وطن بیگانه ایم  
چون نگه نور دو چشمیم و یکیم  
از حجاز و چین و ایرانیم ما  
شبیم یک صبح خندانیم ما  
مست چشم ساقی بطعاستیم  
در جهان مثل می و میبایستیم  
امتیازات نسب را پاک سوخت  
آتش او این خص و خاشاک سوخت  
چون گل هر برگ مارا بویکیم  
اوست جان این نظام و اوبیکی است  
علامه اقبال

**«عوامل تفرقه مسلمین»  
«مفتی دین مبین» فتوی فروخت**

(تقدیم به عمدا... بنابر، معنی دربار آل سعود)  
برم مسلم از چراغ غیر سوخت  
مسعد او از شرار دیر سوخت  
از سواد کعبه چون اهو رسید  
تاوک صیاد پهلویش درید  
ساقی دیرینه را ساعر شکست  
برم ددان جعاری بر شکست  
کعبه آباد است از اصام ما  
حده زن و کفره اسب بر اسلام ما  
شیخ در عشق نمان اسلام ناحب  
رشتهی تسبیح از رنار ساحب  
می شود هر مو درازی حرفه پوش  
اه از این سوداگران دین فروش  
واعظ ما چشم بر سناه دوح  
معنی دین مبین فتوا فروخت  
چیسست باران بعد از این ندیر ما  
رح سوی میخانه دارد پیر ما  
علامه اقبال

**«میلاد مسعود حضرت محمد (ص)»**



«عنبر افشان بتماشای ریاحین آمد»  
هفته وحدت ما رنج دل دشمن شد  
این تقارن سبب ذلت اهریمن شد  
دور از مکتب دین گفتن ما و من شد  
باد پاینده سائیران و جهان حکم فقیه  
«کاین ندا بر همه زان قلب جهان بین آمد»  
\* شعر از خواهر مریم حقیقه- بیر چند.

باز بوی سمن و سنبل و نسریمن آمد  
بچمن بیگ صبا از پی تزیین آمد  
عید فرخنده آن ختم نبیین آمد  
(سحرم دوست بیدار به بالین آمد)  
«گفت بر خیز که آن خسرو شیرین آمد»  
در دریای شرف منبع فیض و اکرام  
نور حق ختم رسل هادی پاکیزه مرام  
بجهان آمد و اسلام شد از وی ابهرام  
(قدحی سر کن و سر خوش بتماشا بخرام)  
«تا به بینی که نگارت بچه آیین آمد»  
شده این عالم هستی بوجودش برپای  
آمد از سوی خدا تا که شود راه نمای  
با کتابی که بود تا ابد الدهر بجای  
(مژدگانی بدهای خلوتی نافه گشای)  
«که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد»  
دین او طایر اندیشه به پرواز آورد  
دیده کور دلان را سوی حق باز آورد  
مکتبش علم و عمل، عزت و اعزاز آورد  
(گریه آبی بر رخ سوختگان باز آورد)  
«ناله فریاد رس عاشق مسکین آمد»  
هر چه داریم ز فیض و کرم دولت اوست  
گر که رنجی است از او باز گوارا نکوست  
تا بود یار کجا بیم و هراسی ز عدوست؟  
(سالیای می بده و غم مخور از دشمن و دوست)  
«که بسکام دل ما آن بشد و این آمد»  
نغمه عشق تو گوگردید پدید از بلبل  
میرسد تهنیت عید سعید از بلبل  
شعر نغزتو (حقیقه) بر رسید از بلبل  
(چون صبا گشته حافظ بشنید از بلبل)

**\* منجی بشر \***

او که بزدان رانختن بنده زبند است  
فخرش این باشد که ذات پاک حق را بنده است  
پرتو این او بر قلبها تابانده است  
همچو بزدان دین پاکش تا باید پاینده است  
شاهد این مدعا گفتار گوهر بار اوست  
این سخن بشنو که از لعل لب دربار اوست  
آنچه که ملت را کند آزاد قرآن است و بس  
رهبر اندر کشور ایجاد قرآن است و بس  
ملک دین را پایه و بنیاد قرآن است و بس  
طالبان علم را استاد قرآن است و بس  
پیشوا و رهنمای خلق قرآن خداست  
این کتاب زندگی ساز است و فرمان خداست  
ای مسلمان پیروی از رسم عدل و داد کن  
عالم ایجاد را از عدل و داد آباد کن  
گر ستم شد بر تو بر ظلم و ستم فریاد کن  
بهر یاری از تمام خلق استمداد کن  
نی همین ظالم به دین پاک او مغفور گشت  
بلکه مظلوم ستم پرور هم از او دور گشت  
دشمنی با عالمان دین به پیش او خطاست  
زانکه عالم در جهان وارث به علم انبیاست  
ظلم بر عالم به حکم عقل کاری نراوست  
دشمن عالم بی پیغمبر حتم خصم خداست  
عالمان مکتب دین وارث علم و بسند  
وارثان علم او آگاه بر ویسند  
کیست عالم آنکه باشد لایق این اعتبار  
حکم او محری بود اندر تمام روزگار  
امر او باشد چو امر ذات پاک کردگار  
میکنم بر خلق این سر نهان را آشکار  
هست آن عالم خمینی نایب اولاد او  
آنکه جان مسلمین روشن شد از ارشاد او  
نهفتش راهی نوین در ملک هستی ساز کرد  
هفتش آیین حق را در جهان آعمار کرد  
نای او اهنک وحدت را به گیتی ساز کرد  
آمد و قرآن حق را بر بشر اسرار کرد  
بارها گفتا که دین تکمیل اخلاق است و بس  
دشمن ظلم است و یار رحیم و ارفاق است و بس  
آمد او تا بر کسد از هر دلی تشویش را  
در جهان رسوا کند افراد سدانیش را  
مرحمی تا آنکه بگذارد قلوب ریث را  
عرصه کرد او بر بشر آیین حد حویث را  
سروپا آنکس که او را پیروی از حدان کند  
یار او بردان بود چو یاری قرآن کند  
مشهد - قاسم سروپا

هفته وحدت رسیده ای مسلمان شاد باش  
خرم و دلشاد باش از بسند غم آزاد باش  
از بی ایجاد وحدت جهد کن استاد باش  
مانع اغیار باش و جامع انفراد باش  
دست رد بر سینه غم زن که گاه شادی است  
تابکی در دام محنت نوبت آزادی است  
ذات یکتا خسوست تا آفاق نورانی شود  
روشن از انوار حق این دهر ظلمانی شود  
از جهان برچید آیین هوسرانی شود  
منهدم یکباره زشتی های شیطنانی شود  
زد قدم در ملک هستی حضرت ختمی ماب  
شد بها از مقدمش در ملک هستی انقلاب  
اویشر رادر دو عالم بهترین رهبر بود  
ذات حق را بنده و بر خلق پیغمبر بود  
سینه اش از وحی حق گنجینه گوهر بود  
زین سبب گفتار مرا آزادگی زیور بود  
اویشر رامژه بر اجلال و عزت میدهد  
پیروانش راه گیتی درس وحدت میدهد  
با پیام خویشن آمد بشر سازی کند  
امتی راز هنورد راه جانانازی کند  
زنده در دهر کهن رسم سرافرازی کند  
مردمان را آگه از آیین سربازی کند  
خواهی اردرس شهامت روید انگاه او  
خواهی ارراه سعادت روی کن بر راه او  
اونه تنها در جهان شد رهبر اسلامیان  
بلکه می باشد زعیم حمله مخلوق جهان  
حکم او بر مردورن جاری است از پیروخوان  
اوبود پیغمبر و باشد کتاش ز آسمان  
حاتم پیغمبران و پیشوای مردم است  
در جهان افریش رهمای مردم است  
مصطفی آمد که حکم ذات حق احرا کند  
پر چه آزادگی رادر جهان بر پا کند  
بت پرستان را ز وحدت در جهان رسوا کند  
جهل راناسود سارد خلق را دانا کنند  
آیت انافتحا یارش از پروردگار  
پر چه مصروص... بر سرش مافتحار  
ذات رحمان صمصام الطاف بی پایان اوست  
مسلمین رادرد و عالم دست در آسمان اوست  
خلق عالم میهمان بر سره احسان اوست  
چون سعادت مسدود در معنی قرآن اوست  
اوسادت رانه تنها مهر سادات آورد  
حکم اتقا کم بر بردان بر مساوت آورد



بقیه از صفحه ۳

### قرآن منادی همیشگی وحدت

قرآن همیشه رنده است و صفحات تاناک آن در پیش همه مسلمانان گشوده، و اینک نیز فریاد میرسد که ای ملل مسلمان، از خصوص و کسبش در برابر ابرقدرتها سرحدر بشاشید و از فرمان خدا سرپیچی نکنید مگر نه ایست که کسان و عزت و سربلندی شما تنها در سایه خدا و اسلام و حاتم پیامبران است. پس شما را چه شده که از خدا «واحد قهار» روی ستافته و آستانه سعید شوم استعمه؟

ای دولتها و ای حکومتها! مسلمانان! چرا ابروی توده که پشتوانه جدائی راه همراه دارد، بریده‌اید و سادشمال خلق خدا پیوسته‌اید؟

چرا بای ایست که به «حبل الله المتین» چگ بریدوبه «عروة الوثقی» الله تمسک جویند، نه رشته‌ها و حلال ساحران قرن و فسویگران هزار چهره عربی و شرقی و اروپائی و آمریکائی و اسرائیلی و خاسهای پستگاون و سیاه‌مافیا و موساد و توطئه‌های سگی و همجنس سازمانهای جاسوسی و آدمکنی و بهره‌کشی دشمنان سوگند خورده اسلام و حرم مس مستضعف دل بسته‌اید؟

بدون شک امروز که حکم فرمان خدا میرسد، این قدرتهای بوج وی ثبات نمیتواند شما را ای قدرتمندان حاکم! و ای حکومتها شرک باور نجات دهند. که نمونه‌های آنرا در سقوط مقتضای شاه ایران و سادات فرعون مصر دیدید، و سی شک نردیک روز گسار صدام در آینده و سادهاش را سهامان سر نوشت شوم خواهد دیدند. باری دین تفرقه بر خلاف دین خدا و پیامبر است! اینجا به قرآن سبیل قاطعی دارد و آن «الذین فرقوا دینهم و کانونا شیعا لست منهم فیسی شینتی، انما هم الی... ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون» آنکه در دینشان راه تفرقه پیمودند. و گروهها شدند، ترانایان هیچ مناسبتی نیست کار آن سادها است و آنان راه اعمالشان آگاهی خواهد داد» (انعام ۱۵۹)

و سارهم قرآن در بسیاری

# امت واحد از دیدگاه قرآن

از آیات مومنان رابه مسالمت و همسنگی فرامیخواند، «یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه، ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه الکم عدو مبین» ای گروه مومنان همگی به وادی صلح و صفاروی آوریید، و ربهار که و سوسه‌های شیطان را گردن نهید که او دشمن آشکار شما است (بقره ۲۰۸)

ای مسلمانان بخود آئید و به آیات خداوندی بیاندیشید که هشدارتان میدهد که دامهای شیطان در مقابل شما گسترده است و سالیان دراز است که با عناوین عرب و عجم و ترک و فارس و سنی و شیعه و دیگر دستاویزهای ساخته دست بلید استعمار چه وضع اسفنازی برای شما پیش آورده‌اند چگونه سیرهای فعاله و سارنده شما را متلاشی ساخته و چنان کابوس و غفلتی بر مفرهای شما چیره گشته که حتی نتوانند این فاجعه دردناک را احساس کنید، اینجا است که به سوز دل دردمند علی (ع) بی‌میریم آنگاه که از تفرقه و بفاق بارانش بسته آمده و چنین زبان بشکایت می‌گشاید:

«فیا عجبا عجبا!! والله یمیت القلب ویجلب الهم الاجتماع هولاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم! فبقها لکم و ترها حین صرتم غرضاً یرمی» نهج السلاعه- خطبه ۲۷-

شگفتا، شگفتا! نخدا قلب ار این غصه میمیرد که ایسان (اصحاب منافقان) بر ساطل خویش متحد شده و شما در حق متفرق گشته‌اید! شرمساری و تبه روزی شما را یاد که خود را برای تیر بلای دشمن هدف ساخته‌اند برآستی که این سخن دردناک و گوینده علی (ع) بزرگ اخطاری است به امت اسلامی که هدف تیرهای استنکار جهانی سبوزه آمریکا و اسرائیل گشته و سنی خواهد از این درد بزرگ آگاه شوند که اختلاف آنها چگونه مایه خوشبودی دشمن وسیه روزی امت اسلامی شده است. و شگفتا که در حصار کسائی در کسوت مذهب بنشینند و فتوی دهند که اتحاد ام اسلامی شرک است و در همین حال به شیوه بلعیمان «سرباستانه دربار فراعنه زمان بسایند و آنرا عین اسلام بدانند!!

### ایین رسالت پیامبران و اما تکلیف مردم

وحدت یک تکلیف است که برای تحقق آن باید بسایزند تا رشته الفت را با دیگر مسلمانان مستحکم نموده و راههای تفرقه و جدائی را سندنند، خداوند این تکلیف را سرعهده مردم نهاد. و بسایند آنرا سددست تقدیر سپرد قرآن در این خصوص چنین گوید:

«ولولشاء الله لجعلهم امه واحده و لکن یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمون منالمهم من ولی و لانیصیر» شوری آیه ۸

### اینک نکاتی چند در پیرامون آیه

۱- از این آیه چنین استفاده میکنیم که گرچه خداوند جواستار وحدت امت است و با امر موکد تشریحی فرمان تحقق

آنها به مردم میدهد، میدهد. ولی چون کمال نوع بشر و بنای نظام صالح انسان بر تکلیف نهاده شده، مردم باید خود برای تحقق آن تلاش کنند، از دولتهای وابسته خود باید قطع امید کنند که آنان طراح اختلاف و خیانت و مجری طرحهای صلح تجمیلی با آمریکا و اسرائیل چون کمپ دیوید و اول و دوم و مانند آن میباشند.

۲- وحدت امت رحمتی است از سوی خداوند که هر ملت شایستگی و لیاقت آنرا داشت مشمول آن خواهد بود. و تحصیل این شایستگی نیز در محدوده تکلیف و اختیار مردم است.

۳- تفرقه و جدائی یک ستم اجتماعی بوده که جامعه را به تباهی میکشد و در چنین صورت است که یک ملت از ولایت خداوندی بی‌نصیب گشته و از باری او محروم میگردد. و در آیت

شکل‌گیری اسلام تا اتحاد شوم ابرقدرتهای جهانی و امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی و ماتریالیسم ماده‌گرا و فریبکار و جبهه متحد ابلیسی ضد انقلاب و مردوران خود فروخته آمریکا در برابر نهضت توده مسلمان مستضعف همه و همه نمودار این واقعیت قرآنی است.

**مطلب دوم-** اخطار و هشدار به مسلمان است که اگر متحد نشوند و با دست واحد به مقابله با دشمنان هر ملیتی قیام نکنند آتش فتنه و فساد را دامس رده‌اند که ابعاد گسترده آن دامن همه را خواهد گرفت و انقوائت لا تعصم الذین ظلموا منکم

خاصه... انفال ۲۵

هان ای گروه مسلمانان! ای امت محمد ص! ای اهل قسله و قرآن! هشدارتان بساد، که دشمنان از غرب تا شرق از درون و برون برای نابودیتان دست در

داد. (آل عمران ۱۰۳)

آری اختلاف و تفرقه پرتگاه آتش و جهنم سوزان دو جهانی است، و وحدت رحمت بی‌پایان او دست آویز نجات اکنون ما و این هم مسؤولیت خطیرمان، و این هم دشمنان اسلام و بشریت که رویاروی ما صف کشیده، و دندان طمع برای قطعه‌قطعه کردن سرزمینهای اسلامی و غصب و تصرف آن و تحریه پیگروه امت محمد (ص) تیز کرده‌اند بنیائیم و با وحدت کلمه به وضع اسفناز مسلمان در سراسر جهان بیاندیشیم.

بنیائیم حربه بفاق افکنانه را از دست دشمن بگیریم.

دشمن می‌خواهد بعنوان گرایشهای خاص سیاسی، و پیش‌های مذهبی و بهانه‌های بزادی ما را از یکدیگر جدا کند. گاهی عمال آمریکا و صهیونیسم در کفرانس طائف می‌نشینند و طرح تفرقه بعنوان تشیع و تسنن را در دستور اعمال خیر لکارانه خود در اردن جهت بشکست کشاندن انقلاب عظیم اسلامی ایران قرار میدهند که بخواست خداوند و بدلیل آگاهی برادران شیعه و سنی این نقشه شیطانی افشا و ناموفق میگردد، و گاه بعنوان عرب و عجم و بهانه‌های بوج جنگ عراق با ایران را به راه بیاندازند و نیروی را که در جهت نابودی اسرائیل غاصب و قطع‌ایادی شیطان بزرگ میبایست مصرف شود، به هدر میدهند، و مسؤولیت ما در این لحظات بسیار حساس و سنگین است که لحظه‌ای کوتاهی کردن، همدست خصم بدانندیش شدن است.

در این برهه حساس تاریخ و سرنوشت‌ساز که به پیشینه‌ها حضرت آیت... مستنقری، و رهبری امام سازش‌ناپذیرمان حامی مستضعفین، خمینی کبیر، و همسنگی امت قهرمان مسلمان، با اعلام «هفته وحدت» و رشته‌های الفت و صمیمیت میان برادران اهل تسنن و تشیع هر چه استوارتر میگردد، و پیسوزه امپریالیسم و صهیونیسم بخاک مالیده میشود، بر امت همیشه آگاه است که این «سنت حسنه» الهی را در رابطه با هفته وحدت برای ماهها و سالها و قترتهای وحدت امت اسلامی هر چه بیشتر مستحکم نموده و دشمنان بلید اسلام را از خود نومید گردانند. (آمین یا رب العالمین)



دست هم نهاده‌اند، این حسه متحد صد خدا و صد خلق اگر هم اختلافی با هم دارند برای عمارت تروت‌های شما و به دلت کشیدنتان توافق و اتحاد کرده‌اند! و تأسف آنکه، با دست‌های پرتوان شما، شما را از پای در می‌آورند! بهوش باشید و بخود آئید و از هر ملتی هستند و طرفداران هر مذهبی و فرقه‌ای، سالاخره ما هم برآدرید و مسلمان زهار که با دشمنان تان همدست و همدستان شماستند بزرگ فسادهای است فسادی بزرگ و فتنه‌ای عظیم که ابعاد آن هر روز گسترده‌تر میگردد. دشمنان شما سعی میکنند بعنوان عرب و عجم، و سنی، و یا کرد و ترک و فارس و سلوچ، شما را بجان هم بیاندازند، و خود بظاره‌گر نابودی شما و کامیابی خود باشند، و مظهرهای بلیدی چون صدام را با دیگر همکارانش که فلابه بندی ابرقدرتها سبوزه آمریکا را برگردن نهاده، همیشه در آستین دارند تا نیروهای

دیگر، ضمن هشدار به مسلمان که دشمنان با یکدیگر همدست شده و حسبه واحده تشکیل داده‌اند، تا نهال اسلام را برکند و سبک‌ساز می‌گویند:

والذین کفروا بعضهم اولیاء بعض الالم تغلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر» انفال ۲۳

کافران دست باری سهم داده‌اند، اگر شما چنین نکنید (دست مودت بیکدیگر ندهید) فتنه و فساد بزرگ در زمین پدیدار خواهد گشت.

**در این آیه به دو مطلب توجه میدهد:**

**مطلب اول-** اتحاد شوم کافران و مشرکان و منافقان که دشمنان خدا و خلق‌اند و همواره دست اندر کار توطئه و جبهه‌گیری و صف‌آرایی در برابر مومنان بوده و هستند، از احد گرفته تا خیر و احزاب، و از احزاب متشکل از کافران و مشرکان و منافقان و اسرائیلیان در اولین روزهای

# «وحدت ایدئولوژیک و...»



بقیه از صفحه ۸

کمر و اسلام میان ما فاصله انداخته است و از ایسترو آنان خارج از دایره وحدت و انسجام و امت است. کسوف اسلام را بصورت ملت یکبارچه در آوردن محال است مسلمانان نمی توانند هویت مستقل خود را از دست داده بر مبنای عربیت، یا ترک نژادی و آریا نژادی با کسانیکه مخالف مرام و عقیده شان هستند «قوم» را تشکیل دهند. رهنمودهای قرآن در این موارد بسیار صریح است.

قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم والذین معه. اذ قالوا لقومهم اتابروا مسلمکم و معاتبدون من دون الله، کفر نایکم و بدایبنا و بسینکم العداوه والبغضاء ابداحتی تو منوا بالله وحدت (سوره الممتحنه)

لا تستخدوا ابناء و اخوانکم اولیاء ان استخویا الکفر علی الایمان و من یتولهم مسلکم فاولئک هم الظالمون. (التوبه): مررهای وحدت مشخص اما بار است و هر کس با پذیرش عقیده می تواند در این وحدت فراگیر جا گیرد

«فان تاوبوا واقاموا الصلوه و اتوا لکوه فاحوانکم فی الدین» (التوبه): و اگر آنان برگردند و نماز و اقامه حسابند و رکوع بدهند پس برادران دینی شما میگردند.

البته طبیعی است که در جامعه عقیدتی اسلامی، حکومت در دست عناصر متعهد است، ولو تحمیل عقیده روا نیست ولی اجازه داده میشود که اداره امور در دست کسانی باشد که به مکتب متعهد بنادند ولو آنکه عناصر متعهد در اقلیت باشند ملاک «اکثریت» و «اقلیت» عددی نیست، تعهد و تقوی است.

قل لا یتوی الحبیث والطیب ولو اعجبک کثره الحبیث کسانیکه تعهد به مکتب ندارند خارج از این «ملیت» شعاری می آیند، نمی تواند مصدر امور باشد و با مقامات تصمیم گیری در اختیار آنان قرار گیرد ولو اینکه از نظر حقوق انسانی از تمامی حقوق بهره مندند و در داشتن عقیده خود، اگر به توطئه جیتی دست نزنند، کاملاً آزادند.

چون جامعه اسلامی منتهی بر عقیده «و» مکتب است. سدی می باشد که تنها کسانی می توانند مصدر امور باشند که با آن عقیده مؤمن و سه آن مکتب متعهد و آشنا باشند. کسانیکه روح مکتب را درک کنند و با آن موافق باشند این فکر هیچ تبعیضی و یا محدودیتی را در بر ندارد چرا که

هر کس آزاد است با انتخاب و اراده آزاد «مکتب» را بپذیرد. خود را با آن هماهنگ سازد و بصورت عضو تمام عیار جامعه اسلامی در بیاید. بر خلاف این نظاماتی که اداره امور را در دست نژاد یا ملیت جغرافی قرار میدهند، نظامات مستلزمند، در العمان هیتلری که مبتنی بر فکر، اصالت نژاد آریا بود، کسی که بفرس و ایسته به نژاد سامی باشد، برای او به هیچ وجه میسر نبود در اداره امور شرکت بکند چرا که نمی تواند حصار نژاد را در ایشکند ولی اسلام سنن را «عقیده» قرار میدهد و هر کس میتواند... «عقیده» را بپذیرد.

البته کسیکه این «مکتب» و «عقیده» را قبول ندارد میتواند بعنوان «ذمی» در جامعه اسلامی زندگی کند، قانون اسلام برای وی تیسر حقوق و مسراعات و اختیارات قائل است، او از امنیت و رفاه برخوردار خواهد بود. وسائل معیشت برای او فراهمند و اگر توانائی و تخصص داشته باشد ممکن است از روی استفاده نیز بشود ولی نمی توان مسئولیت بیاده کردن نظام اسلامی و اداره

حکومت اسلامی را به کسی سپرد که معتقد به اسلام نیست. این اصل به اسلام احتصاص ندارد بلکه در هر جامعه و دولتی که بر مکتب و هدف مبتنی باشد، اعم از اینکه آن مکتب مارکسیسم باشد یا لیبرالیسم چنین است. آیا یک کمونیست میتواند در رأس حکومت لیبرالیسم آمریکا قرار گیرد، و یا یک غیر کمونیست می تواند اداره امور را در یک کشور کمونیستی بعهده گیرد؟

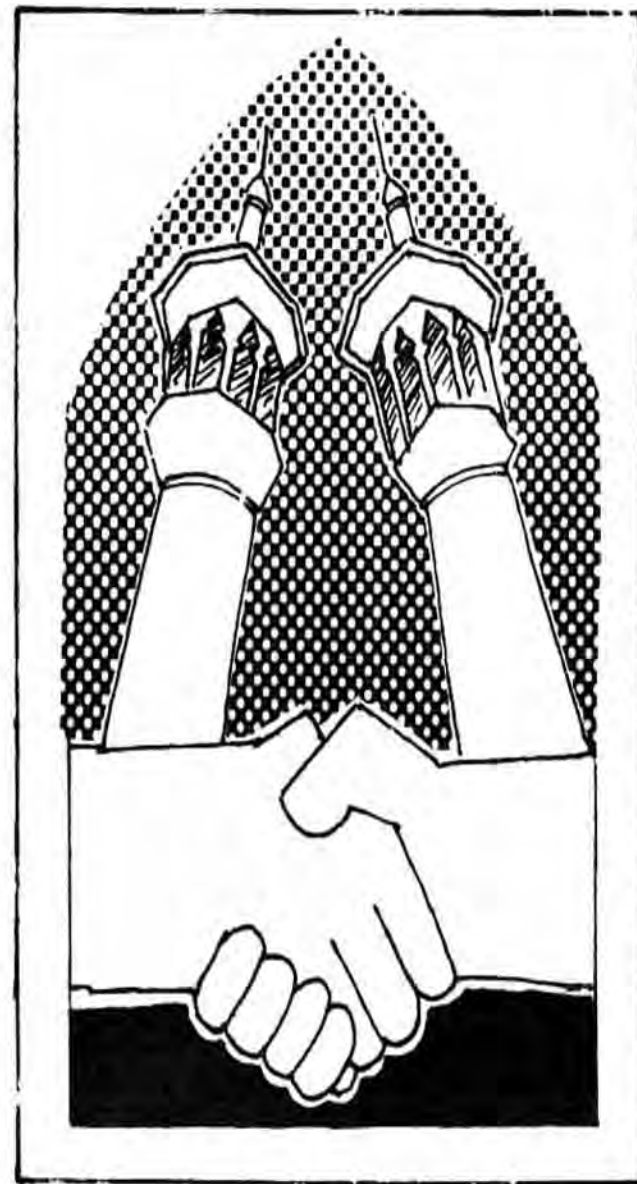
۷- «وحدت عقیدتی» و عوامل تفرقه:

بدینسان اسلام نخستین بار یک واحد و ملیت ایدئولوژیک را

بوجود آورد وحدت را بر مبنای اشتراک در عقیده قرارداد، پیش از اسلام همواره وحدت را بر پایه رنگ، نژاد، نسل و نسب و زبان و اشتراک در نظام حکومت بی ریزی میگرداند. بر همین مبنای سه هزار سال پیش تمدن و نظام یونانی، رومی و ایران باستان برقرار بوده و بر همین مبنای نظام و تمدن و ملیت آلمانی، فرانسوی، امریکائی و... و برقرار است. عناصری که در آن در زمان باستان «وحدت» را جستجو میگرداند امروز نیز پایهها و مبنای «وحدت» همانند و از اینجهت «جاهلیت» قرن بیستم، با جاهلیت پیش از اسلام فرقی ندارد.

اسلام تمامی این ملاکهای امتیاز و پایههای وحدت جاهلی را کنار زد و بجای آن «وحدت» قرارگیر را بر شالوده «مکتب» پایه ریزی نمود.

ولی دسیسه های «زر» و «زور» و تزویر و استبداد و خودکامی و استعمار موجب شد حتی ما این «کلمه واحده و ریس» را متله کنیم و مسلمانها به نام فرقه ها، مذاهب کلامی، فلسفی و



ملتهای جغرافی و ناسیونالیسم عرب و ترک و فارس به حال هم نیافتند. با وجود این «مبنای سنگین وحدت» و این «کلمه جامع» استعمار و استبداد موجب شد مسلمان هم در برابر تکفیر کنند، حتی مساجدشان جدا باشد، ایده های ناسیونالیستی را از استعمار گران وام بگیرد و کاسه و کوره را بر سر هم دیگر بشکنند، تمامی «عصیتهای جاهلی را که اسلام بر آن خط بطلان کشیده بود دوباره احیاء نمائیم و شعارهای «پان ترکیسم»، «پان عربیسم» و «پان ایرانیسم» و پان... سر داده شود. البته امکان ندارد که زبان و رنگ و نژاد و شیوه زندگی همه اقوام و افراد مسلمان یک کاسه شود ولی «کلمه جامع» (مبانی اعتقادی) مشترک بخاطر این

اینک وقت آن فرا رسیده است که مسلمانان دنیا تمامی «عصیتهای جاهلی» را کنار زده بسوی وحدت فراگیر ایدئولوژیک برگردند تا بتوانند نقش بزرگ شهاده علی الناس را ایفاء نمایند.

هست که اختلافات جزئی تحت الشعاع این وحدت بنیادی قرار گیرند، و یک «ملیت» مشترک مسلمانان جهان را بوجود بیاورد.

وقتی مسلمانان هویت و شخصیت مستقل خویش را از دست دادند و قابلهای عسری بر آنان تحمیل گردیدند، مقولات ناسیونالیستی عرب بر سر جهان اسلام مانند غده های سرطان ریشه دوانیده و وحدت مسلمین را از بین برد، و مسلمانان فراموش کردند که آنچه برای غربیان دوا است برای ما زهر محسوب میشود. اقبال اندیشمند بزرگ اسلامی سالها پیش به مسلمانان هشدار داده بود.

ملت خویش را بر اقوام عرب قیاس نکن

در ترکیب امت محمدی ماهیت ویژه ای دارد.

وحدت آنان بر اساس میهن و نژاد استوار است

ولی وحدت تو بر شالوده دین بی ریزی شده است

همین گونه که در یک حکومت، چند سلطان نمیتوانند وجود داشته باشند، در یک «ملیت»، چندین ملیتها نمیتوانند اصالت داشته باشند.

هنگامی ثابت شد که «ملیت» اسلامی بر مبنای «عقیده» و «مکتب» است.

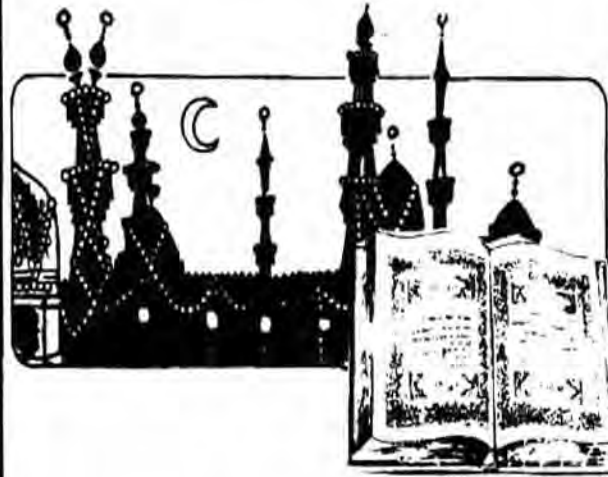
نمی توان فرض نمود که در آن ملاکهای دیگر، مانند ملیگرایی و یا نژاد پرستی یا اصالت زبان را نیز در حالت دهیم. یا باید معتقد به «ملیت عقیدتی» و «انتر ناسیونالیسم اسلامی» باشیم و یا معتقد به ملیت نژادی زبانی، یا جغرافیائی و ناسیونالیسم، نمیتوان هم معتقد به این باشیم و هم معتقد به آن چرا که بقول اقبال «قبای یکی کفن دیگری است».

در طی تاریخ بزرگترین عامل تفرقه و پراکندگی و روال و ریونی و انحطاط و سقوط مسلمانان عصیتهای ناسیونالیستی و فرقه ای بوده اند. پس از در گذشت پیامبر عصیتهای قبیله ای عرب بصورت امویان قد علم کرد و اسلام راستین و اصیل و نظام حکومت اسلام را از درون فاسد نمود و بصورت «امپراطوری عرب» در آورد.

سیس عصیتهای ترک و فارس و عرب وحدت مسلمین را بیاد داد و وحدت سیاسی مسلمانان نیز از بین رفت و در قلمرو اسلامی چندین حکومت های خودکامه مستقر شدند. سپس روال و انحطاط تمامی این کشورها و حکومت ها بخاطر ظهور تعصبات قومی و نژادی بوده است. در گذشته نزدیک بزرگترین حکومت مسلمانان دولت عثمانیها بود که آرا کشاکش عرب و ترک و کرد از بین برد.

اینک وقت آن فرا رسیده است که مسلمانان دنیا تمامی «عصیتهای جاهلی» را کنار زده بسوی وحدت فراگیر ایدئولوژیک برگردند تا بتوانند نقش بزرگ شهاده علی الناس را ایفاء نمایند.

## پیام وحدت



هله برخیز و بخوان صغهای از دفتر وحدت تا در این هفته سخن ساز کنیم از سر وحدت فتنه را پای بسنجیم، به سر پهنه ایمان عشق را ره بگشاییم به بسال و پسر وحدت

میتوان زیستن آسوده اگر ریشه بگیرد نخل توحید که آرد همه برگ و پسر وحدت درس توحید بود سر خط آزادی انسان بانگ تکبیر بود نغمه جان پرور وحدت

تا به ذرات جهان گرمی توحید ببخشند رخ برافروخته خورشید بلند اختر وحدت سر مه دیده احیاب نما گرده رهش را گامد از گرد ره امروز پیام آور وحدت

روز میلاد نبی امت مرحومه به شادی معو پیغمبر رحمت شد و پیغمبر وحدت به دعا دست بر آریم مگر امت مسلم متحد گردد و شیرازه کنند دفتر وحدت

میشود اهرمن تفرقه زین خطه گریزان گر شود امت ما حلقه بگوش در وحدت ذره خورشید شود لیک به بسال و پسر همت قطره دریا شود اما همه در بستر وحدت

روز گاری است که با لطف خداوند تعالی «چهره پسر» جماران شده روشنگر وحدت سجده شکر به درگاه خدا کن که خمینی رهبر امت اسلام شد و مظهر وحدت

ره روان ره توحید ندارند پهنای بجز این نایب مهدی که بود رهبر وحدت مکتبش عترت و قرآن، سخنش سیره و سنت منظرش منظر حق محضر او محضر وحدت

امت ما و امامت همان امت واحد ارتش ما و سپاهند همان لشکر وحدت باش تا بامدد بت شکن دهر «خمینی» سایه بر تارک گیتی فکند افسر وحدت

اینک ای قوم عرب از سر اخلاص بخوانید در طنین سخن «روح خدا» جوهر وحدت وای بر امت مسلم اگر از عقد اخوت شرق تا غرب جهانرا نکنند سنگر وحدت

خاک بر فرق امام «الحرینی» که نبیند در طواف حرم کعبه شکوه و فرور وحدت نایب سامانی امت سرو سامان بپذیرد کارها تا که نگرده همه بر محور وحدت

دست «اشفالگر قدس» اگر قطع نگرده بیم آنست که پامال شود پیکر وحدت ما بر آنیم که در پورتو توحید و نبوت همه عالم شود آراسته بر زینور وحدت

شد بر افرشته باخون شهیدان بهشتی رایت «واعصموا» آیت زیباتر وحدت جبهه محراب شهادت شده از خون شهیدان خاک ایران شده دریا و پراز گوهر وحدت یک چمن لاله خونین شده سرمایه عزت

یک گلستان گل پرپر شده یادآور وحدت بشهیدان بخون خفته بر سر رشک از آنرو که کشیدند همه جرعه ای از ساغر وحدت خوششان آبروی دین شد و آنین پیغمبر

جانانشان برخی اسلام شد و کشور وحدت تا بود چتر عنایات خدا بر سر ملت طبع سرشار شفق بساد لثنا گستر وحدت

شعر از شفق- مشهد

گفتگوی اختصاصی جمهوری اسلامی با سفیر نیجریه در ایران پیرامون هفته وحدت

# اتحاد باعث قدرت است و تفرقه باعث ضعف است



مسلمان و نه سفیر نیجریه صحبت می‌کنم بسیار برای من ناراحت کننده است که بینم که دو کشور مسلمان مثل عراق و ایران با یکدیگر می‌جنگند جوانها و ذخایر خود را به هدر می‌دهند و همدیگر را نابود می‌کنند. خیلی دردناک است.

راجع به اتحاد مسلمانان و اهمیت آن برای کشورهای جهان سوم، حتی کشورهای غیر مسلمان این بخش از جهان که اکثریت ملل دنیا به آن متعلق هستند چیست؟ ج: اتحاد بین مسلمانان بسیار مهم است اینجا من به عنوان یک

مثال دو کشور ممکن است که دو زمینه تاریخی متفاوت داشته باشند. البته فکر می‌کنم که تاحدی منظور شما را متوجه شده باشم. گاهی اوقات دخالت‌های خارجی نیز وجود دارد. طبیعی است که کشورهای پیشرفته نمی‌خواهند که ما متحد شویم، چونکه اگر چنین کنیم به نفع آنها نخواهد بود. بگذارید که برای شما یک مثال بیارم و آن اوپک است.

ما منافع و علائق مشترکی در این سازمان با ایران داریم ما نفت تولید می‌کنیم و شما نیز تولید کننده نفت هستید. اقتصاد ما به نفت وابسته است، همچنانکه اقتصاد شما به نفت وابسته است. ما سازمانی بنام اوپک داریم و تلاش می‌کنیم که بر سر قیمت‌ها به توافق برسیم، به نفع هر دو کشور است که نفت به قیمت داریم و تلاش می‌کنیم که بر سر قیمت‌ها به توافق برسیم، به نفع

دیگری سخن می‌گوئید دو ملت گاه می‌توانند که یک نظر سیاسی داشته باشند و گاه می‌شود که نظریات مختلفی پیدا کنند.

سؤال: زمینه‌های اختلافات بین کشورهای جهان سوم چیست و چه نیروهایی سعی در تشدید آن دارند؟

واقعاً نمی‌دانم. برای مثال بگذارید ۲ کشور نیجریه و ایران را مثال بزنیم. مسلمان نیجریه سنی هستند و مسلمین ایران اکثراً شیعه می‌باشند. بین ما تفاوت‌های زیادی وجود دارد و از یکدیگر بسیار دور هستیم. ما هنوز در آغاز راه بسوی خودشناسی هستیم. ما روابط سیاسی بین خودمان داریم و تصور می‌کنم که از بسیاری جهات نقطه‌نظرهای یکسانی داشته باشیم. ولیکن تصور نمی‌کنم که از اختلافات عمیق، لاقابل بین خودمان و ایران اطلاعی داشته باشیم.

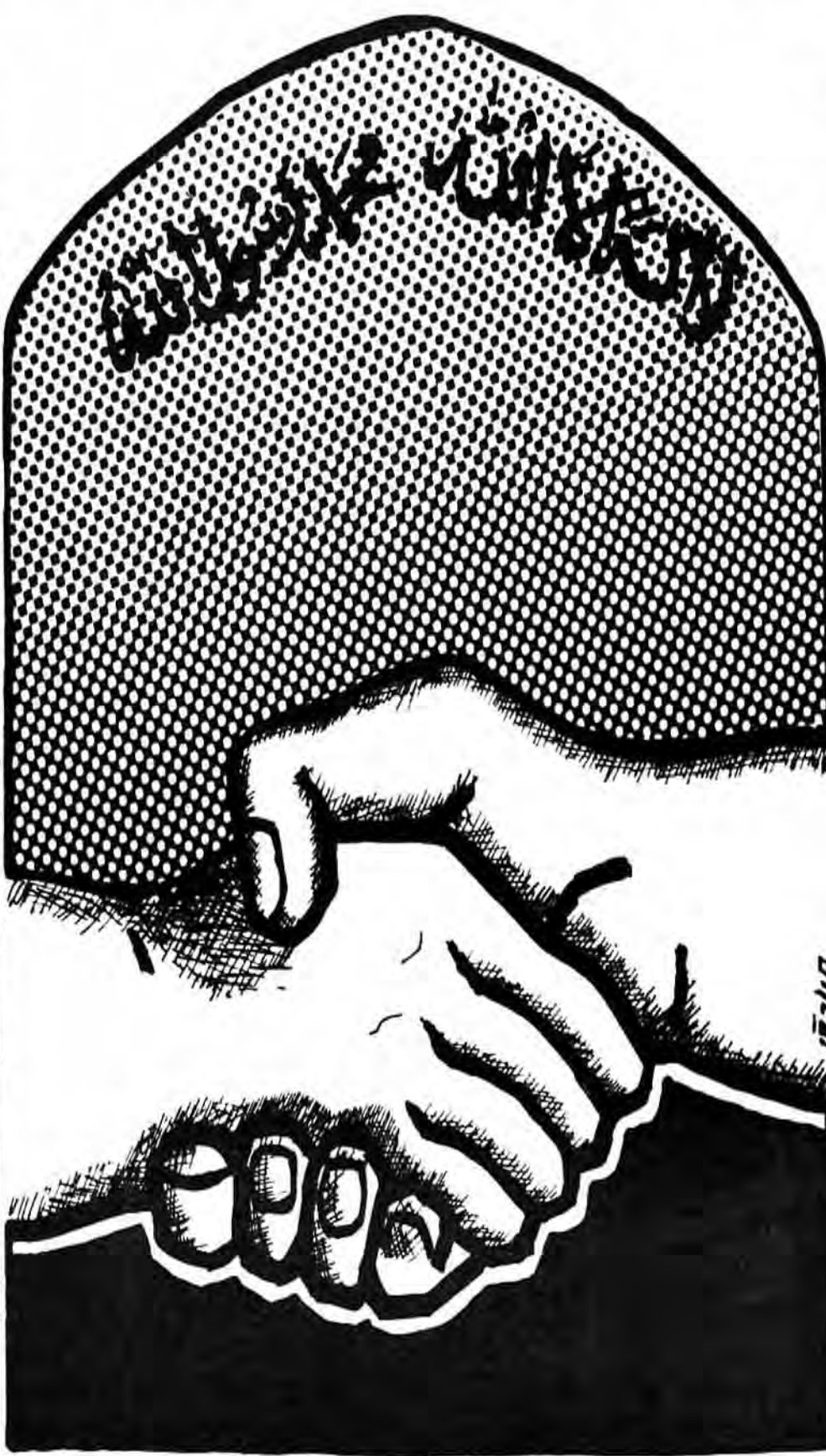
سفیر کشور نیجریه در یک مصاحبه اختصاصی با جمهوری اسلامی شرکت کرده و به سؤالات خبرنگار ما پاسخ گفتند ایشان ابتدا قدری پیرامون موقعیت سیاسی کشورشان توضیحاتی فرموده و آنگاه به سؤالات پاسخ گفتند:

بنظر من قبل از هر چیزی باید یک نکته مهم شرح داده شود تا وضعیت نیجریه بهتر معلوم شود. نیجریه یک کشور بادولت غیر مذهبی است صحیح است که مسلمانان در صد بزرگی از جمعیت نیجریه را تشکیل می‌دهند (بیش از ۶۰ درصد) ولی با تمام این نیجریه رسماً یک کشور اسلامی نیست بلکه یک کشور از لحاظ مذهبی بیطرف است. قانون اساسی ما برای همه این حق را قائل شده است که از لحاظ مذهبی تاحالی که منافی استقلال و امنیت ملی ما نباشد، به مذهب و آئین خود اعتقاد داشته باشند و هر طریقی که مناسب می‌بینند به آن عمل نمایند. ماسا در کشور خود مسلمان، مسیحی و حتی معتقدین به مذاهب سنتی آفریقایی را داریم ولیکن دومیذد عمده اسلام و مسیحیت است و به هر دو توسط دولت احترام گذاشته می‌شود. دولت تعطیلات رسمی اسلامی مانند تولد حضرت رسول که زمان آن بسیار نزدیک است و همچنین کریسمس (تولد حضرت عیسی)، هر دو را جشن می‌گیرد و از لحاظ قانون اساسی آزادی مذهب برای همه کس وجود دارد، من باید به شما صادقانه بگویم که نیجریه رسماً یک دولت اسلامی نیست ولیکن مسلمانان از یک درصد بالا برخوردارند و آزادی‌ها هستند که به مرام خود عمل کنند. دولت خود را برای کمک به آنها همانقدر مسئول می‌داند که خود را موظف به کمک به مسیحیان می‌شاند.

## گفتگو با نماینده سازمان روحانیت مبارز عراق

نه شما نوکران امراء خلیج هستید، نوکران سعودی هستید، ماقبول نمی‌کنیم و بین شیعه و سنی فرقی نیست. واقعاً همینطور شد و حالا مسلمان وقتی که از رادیوهای اجنبی می‌شنوند که ضد انقلاب اسلامی ایران یک حرفهایی می‌زنند، خیلی ناراحت می‌شوند. برای ما می‌نویسند و از ما توضیح میخواهند، برای تبلیغات اجنبی خیلی ناراحت می‌شوند. همه از احقاق دل با مسلمین ایران هستند و ما می‌خواستیم رابطهای بین این مسلمینی که در خارج با انقلابیون اینجا ایجاد شود و ما خیلی خوشحال شدیم و وقتی که آیت الله منتظری به وحدت دعوت کرد، ولی این وحدت باید یک آرگانی بشود، یک موسسهای بشود، اوضاع مسلمین و انقلابیون در بلاد مسلمین را بررسی کند و به ایران جذبشان کند با اینها بروند آنجا با آنها تماس بگیرند و ببینند وضعیت چطور است. و اگر ایران این کار را نکند اینها تحت تاثیرات تبلیغات صهیونی و امپریالی قرار میگیرند و کم‌کم از انقلاب اسلامی جدا می‌شوند ولی انشاء الله این دعوت ثمرات زیادی همراه دارد ولی باید مطالعه شود روی این مسئله. باید اینها را جذبشان کردو بحث کنند با آنها و ایران با آنها کمک کند، برایشان جاهاتی تهیه کند و افسراد انقلابیون را تربیت کنند چونکه اینها نمایی نتوانند

متن زیر قسمتی از مصاحبه با نماینده سازمان روحانیت مبارز عراق می‌باشد که بعطت کمبود جا از درج متن مفصل آن خودداری می‌شود. س: نظر شما در مورد نقش و اهمیت هفته وحدت چیست؟ ج: شما می‌دانید که مسلمانان هم‌شان با انقلاب اسلامی هستند، حتی افرادی که سنی هستند و متمسبند، مثلاً متعصب ترین منطقه در بلاد اسلامی، منطقه نجد در عربستان سعودی است. اینها مذهبشان السحادی است همانها با انقلاب اسلامی خیلی نزدیکی داشتند حتی مادیدیم، روی دیوار نوشتند «درود بر عیسی» و «درود بر عیسی» و «عاشه الثور الاسلامیه»، عاشه الامام الخیمینی و وقتیکه امریکا ایران را تهدید کرد شما دیدید که در پاکستان و در نیجریه و اندونزی و لیبی و لبنان و همه جای کشورهای اسلامی چقدر تظاهرات شد و امریکا وحشت کرد وقتیکه ما در خلیج بودیم وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد همان موقع امراء کویت و خلیج و عربستان سعودی عاملین و نوکران و مزدورانشان نقشهای بر علیه انقلاب اسلامی ایران طرح کردند و گفتند اینها شیعه هستند، اینها از ما نیستند و ما نمی‌خواهیم اینها را و... بخاطر این مسئله بین خود سننها درگیری شد، سننهای مومن و انقلابی گفتند،



در اوپک جمع شدیم تا در مورد یک قیمت مشترک نفت به توافق برسیم و بتوانیم که آنرا به سایر کشورها الفاء کنیم، وقتی که ما متحدیم می‌توانیم کشورهای پیشرفته را مجبور کنیم آنچه که ما می‌خواهیم انجام دهند چرا که اتحاد باعث قدرت بیشتر و تفرقه باعث ضعف است. سؤال: از آنجا که شما یک مسلمان هستید، آیا نظر شما

هر دو کشور است که نفت به قیمت بالاتری فروخته شود تا ما بتوانیم که پول بدست آوریم و همچنین باید صادقانه قبول کنیم که به نفع کشورهای ما نیست که آنرا هر چه می‌خرند بدست آورند. پس تصور می‌کنم که طبیعی باشد که آنها نخواهند که ما متحد شویم چرا که در اینصورت با عدم اتحاد ما آنها می‌توانند

س خبرنگار: بین تمامی کشورهای جهان سوم، چرا که چنین اختلافاتی وجود دارد و بخصوص این اختلافات در بین کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود. آنها قادر نیستند که با هم متحد شوند و نیروهایی تلاش دارند که آنها را از چنین اتحادی دور کنند. ج: گاهی اوقات این اختلافات ریشه‌هایی تاریخی دارند برای

اولین سؤال با توجه به آنکه ۶۰ درصد جمعیت نیجریه مسلمان هستند، آیا نظر شما راجع به اختلافاتی که بین ملت‌هایی که اکثریت جمعیت آنان مسلمان می‌باشند چیست و از چه زمینه‌هایی ناشی می‌شود و ضرورت‌های اتحاد چیست و چه نیروهایی تلاش برای تشدید این اختلافات دارند؟ ج: در مورد این اختلافات باید بگویم که من دقیقاً متوجه نشدم که از کدامین اختلافات صحبت می‌کنید من با خبر هستم برای مثال کشورها موضوع گیریهای سیاسی مختلفی می‌گیرند. و چنین مسائلی حتی بین کشورهایی که از یک مذهب یک فرقه از همان مذهب هستند نیز صادق است. برای مثال دو کشور مثل مصر و نیجریه با وجود آنکه ممکن است از لحاظ مذهبی به یکدیگر مربوط باشند، امکان دارد که از لحاظ سیاسی نظریات متفاوتی داشته باشند. ولی ما از برای من نمی‌دانم که چه اختلاف